فصل‌نامهٔ فرهنگی، آموزشی و ترویجی | سال اول | پیش‌شمارهٔ ۱ | تابستان ۱۳۹۹ | ۶۴ صفحه | ۵ هزار تومان

محراب

اِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَیْنِ علیه السّلام حَرارَةً فی قُلُوبِ الْمُؤمنینَ لا تَبْرُدُ اَبَداً؛
برای شهادت حسین علیه‌السلام، حرارت و گرمایی در دل‌های مؤمنان است
که هرگز سرد و خاموش نمی‌شود.

پروندهٔ ویژهٔ

مسجد و جامعهٔ پیشرو

یکی از اهداف طرح جامع انقلاب اسلامی در گام دوم، تکامل پروژهٔ «نظام‌سازی» است. نظام‌سازی در هم‌وندی با دولت‌سازی و ملت‌سازی، پروژهٔ کلی‌تر جامعه‌سازی را رقم می‌زند. یکی از ابعاد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، «پیشرفت اجتماعی» است. اگر در مدل «توسعهٔ اجتماعی» در چارچوب جامعهٔ مدنی، تکثیر و ترویج ان‌جی‌اوها پیشنهاد شده است، در چارچوب جامعهٔ هجری برای «پیشرفت اجتماعی» چه نهادی پیشنهاد می‌شود؟

رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

«کُلُّ جُلوسٍ فِی المَسجِدِ لَغوٌ إلّا ثَلاثَةً: قِراءَةُ مُصَلٍّ أو ذِکرُاللهِ أو سائِلٌ عَن عِلمٍ»

هر جلوسی در مسجد جز برای این سه چیز لغو و تباه است:

نماز خواندن یا ذکر خدا گفتن یا فرا گرفتن علوم و معارف الهی.

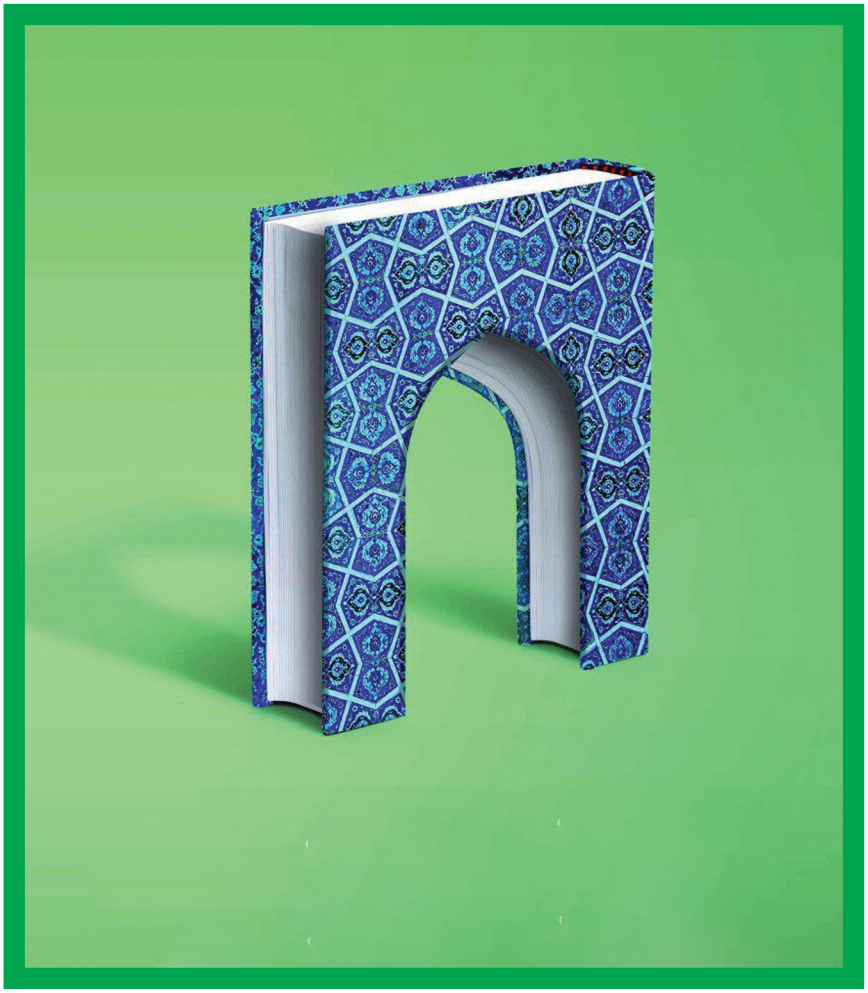

بحارالأنوار: ج۸۶/۷۷.

فصل‌نامهٔ فرهنگی، آموزشی و ترویجی محراب
ویژهٔ ائمهٔ جماعات مساجد استان تهران
سال اول | پیش‌شمارهٔ ۱ | تابستان ۱۳۹۹

صاحب‌امتیاز:
معاونت جذب و آموزش مرکز رسیدگی به امور مساجد
مدیر مسئول: معاون جذب و آموزش مرکز رسیدگی به امور مساجد
سردبیر:
مهدی اخلاقی
دبیران:
اندیشه: علی سرابیار
مدیریت: مجتبی حاجیلو
پروندهٔ ویژه: مهدی عالمی
همکاران تحریریه:
مرتضی سعیدی، دانیال نعیمی، علی سعیدی
مهدی رزاقی طالقانی، محمدمهدی سلطانی
ویرایش و طراحی:
کارگاه نشر ری‌را
مدیر هنری: محسن صابری
ویراستار: پیمان حیدری خوانساری

نشانی: تهران، خیابان سعدی شمالی، کوچهٔ صفامنش، مجتمع فرهنگی آموزشی محراب، طبقهٔ اول.
کدپستی: ۵۶۵۱۱۱۱۴۵۷
تلفن: ۰۲۱ ۶۶۳۴۶۹۲۴ داخلی: ۱۱۷
نمابر: ۰۲۱ ۶۶۳۴۷۹۳۴
تارنما: amoozesh.masjed.ir

۲ ▪ یادداشت سردبیر

اندیشه

۴ ▪ کانون ذکر معنوی و تدبیر دنیوی
۸ ▪ کارگاه پرورش انسان
۱۲ ▪ وقف هوشمندانه
۱۵ ▪ خدا اصل است
۱۷ ▪ زندگی با طعم مقاومت
۲۱ ▪ خانهٔ دل جای این اغیار نیست
۲۲ ▪ بفرمایید چای با طعم کتاب

مدیریت

۲۴ ▪ از زیرزمین خانه‌ها تا خیابان‌های وسیع
۲۷ ▪ جوانان نیز می‌توانند سنگر را حفظ کنند
۳۰ ▪ معجزهٔ شفافیت
۳۳ ▪ همه چیز از یک شوخی آغاز شد
۳۷ ▪ نشانی از مریم

پروندهٔ ویژه

مسجد و جامعهٔ پیشرو

۴۰ ▪ تبیین گفتمان اسلامی-انقلابی به عهدهٔ کدام رسانه است؟
۴۴ ▪ ابعاد اساسی مسجد تراز در گام دوم انقلاب
۴۸ ▪ گریز از نمازخانه با مرکب سیاست
۵۴ ▪ نمازخانه یا مسجد؟
۵۹ ▪ مسجدی پیشرو از منطقه‌ای محروم
۶۱ ▪ معرفی کتاب نقش مساجد بازار تهران در نهضت امام خمینی
۶۲ ▪ مسجد خنثی

یادداشت سردبیر

مسجد و تمدن‌سازی

در طول تاریخ در میان جوامع مختلف مکان‌هایی برای تجمع و تعامل اجتماعی یا اقتصادی و سیاسی وجود داشته است. در فرهنگ غربی عصر حاضر، کازینوها بار حمل این نوع ارتباط را به دوش می‌کشند.[۱] این مراکز با نورپردازی و موسیقی‌های ویژه‌ای، مشغول سرگرم کردن مردمی هستند که در آنجا حضور می‌یابند. شرط ورود به برخی از این سالن‌ها، تحویل دادن ساعت و گوشی همراه است؛ تا شخص گذر زمان را احساس نکند. رکن اصلی این مکان‌ها، بازی همراه با برد و باخت است. البته قرارها و قراردادهای مهمی در کنار این بازی و به بهانهٔ آن رخ می‌دهد. حال کسی که در این فضا حاضر شده، هنگام خروج و بازگشت به سمت جامعه‌ای که قرار است در آن زندگی کند، دو حال دارد؛ یا برنده است و یا بازنده. برنده که باشی، اشتیاق صدچندان برای بازگشت و پیروزی دوباره داری و تمام توجهات معطوف به لحظهٔ حضور در آنجاست. بازنده که باشی، رمق جسمی و توان فکری برای مقابله با پیش‌آمدهای روزانه را نداری.

اما محل تجمع در فرهنگ اسلامی، مسجد است. محور آن نماز، ذکر و دعاست که همگی در جهت ارتقای روحی و معنوی انسان در نیل به سعادت دنیوی و اخروی است. البته مسجد با معابد و کلیسا و کنیسه تفاوت دارد؛ آنجا فقط و فقط محل عبادت است. اما مسجد از آغاز پیدایش خود، محلی برای مشورت در امور نظامی، اقتصادی، فرهنگی و... بوده است.[۲] بنابراین شخصی که از مسجد خارج می‌شود، برای حل و فصل حوادث و مشکلات پیش‌آمده

برای خود و اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، انگیزهٔ مضاعفی دارد. بعد فردی و اجتماعی زندگی یک مسلمان، بر اساس بندگی خدا تنظیم می‌شود و در هر لحظه به دنبال جلب رضایت خدا از طریق خدمت‌رسانی به دیگر مسلمان‌ها و انجام وظایف خویش در راستای خشنودی خداست.

تمایز دو فرهنگ و تمدن از عوامل مختلفی نمایان می‌شود. از آثار هنری تا سیاست‌های فرهنگی و حتی نوع رشته‌های ورزشی و حاشیه‌های آنها که در هر تمدن متفاوت است. مسجد، محل رشد و بالندگی تمدن اسلامی است. چه در قرون گذشته که در اوج قرار داشت و چه هم اکنون که برای رسیدن به جایگاه حقیقی خود خیز عظیمی برداشته است.

اگر نماد تمدن غربی در پایتخت سرگرمی، آن یعنی لاس وگاس یا مرکز دموکراسی و برج ایفل و... نمود دارد، تمدن اسلامی با مسجدالحرام، مسجدالاقصی و یا مسجد گوهرشاد در جهان شناخته خواهد شد .

مسجد مانند طنابی است که یک سوی آن در دست مسلمانان و سوی دیگر آن در اختیار خداوند متعال است. برای پیشرفت همه‌جانبه و قرار گرفتن در قلهٔ تمدن دنیای جدید و به بلوغ رساندن جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، از آباد کردن و پیشرو نمودن مسجد ناگزیریم ◆

پی‌نوشت‌ها:

۱. برگرفته از بیانات در دیدار با ائمه جماعات استان تهران: ۱۳۹۵/۰۵/۳۱.

۲. همان.

اندیشه

حسن علی‌آبادی
کارگاه پرورش انسان
صفحهٔ ۸

محمد میری
خدا اصل است
صفحهٔ ۱۵

ابوالفضل هاشمی
زندگی با طعم مقاومت
صفحهٔ ۱۷

کانون ذکر معنوی و تدبیر دنیوی

نگاهی به شاخصه‌های مسجد تراز جامعهٔ اسلامی

علی سرابیار

از جمله دغدغه‌های ائمهٔ جماعات و هیئت امنای مساجد، حضور پررنگ و هدفمند مردم و به‌ویژه جوانان و نوجوانان در مساجد است.

متولیان برخی از مساجد با برگزاری چند برنامهٔ مناسبتی و پرشور، افراد زیادی را به مسجد جذب و آنها را با برنامه‌های گوناگونی که برای بخش‌های مختلف مسجد تدارک دیده‌اند، آشنا می‌کنند. اما پس از برگزاری برنامه‌های مناسبتی، حضور

چشمگیر مردم در برنامه‌ها به مرور زمان کم می‌شود و مسجد دوباره به حالت رکود برنامه‌ای باز می‌گردد.

امنای برخی از مساجد، حتی در برگزاری یک برنامهٔ مناسبتی هم توفیق چندانی پیدا نمی‌کنند و جز برنامهٔ اقامهٔ نماز در مسجد، برای اقدام دیگری نمی‌توانند برنامه‌ریزی کنند.

در نمونه‌هایی نامطلوب، امنای مساجد از فرصت حضور جوانان و نوجوانانی که از روی علاقه و آگاهی مسجد را برای انجام برنامه‌های فرهنگی خود انتخاب کرده‌اند، استفاده نمی‌کنند.

اما در میان همهٔ این نوع مساجد و مدیریت‌ها، ائمهٔ جماعات و امنای برخی از مساجد توانسته‌اند این دغدغه و نگرانی را کم کنند و یا از بین ببرند.

متولیان این گونه از مساجد، توانسته‌اند با استفاده از حضور نوجوانان و جوانان در مسجد، نمازهای جماعتی برگزار کنند که علاوه بر حضور پرشور مردم، برنامه‌های پیش از نماز مثل قرائت قرآن و اذان و پس از نماز مثل خواندن تعقیبات و ادعیه، به شکلی کاملاً منظم و نشاط‌آفرین برگزار شود.

در این مساجد برای اجرای برنامه‌های مناسبتی از ظرفیت و استعداد نمازگزاران مسجد استفاده می‌شود و همهٔ مسئولیت این گونه مراسمات بر عهدهٔ خادم و هیئت امنا نیست.

نوجوانان و جوانان حاضر در این گونه مساجد، مسجد را خانهٔ دوم خود می‌دانند و برای اجرای برنامه‌های فرهنگی و ورزشی یا حل مشکلات درسی، به سراغ «مسجد و رفقای مسجدی» خود می‌روند.

> ارتباط فعال با نمازگزاران و ایجاد پیوندهای دوستی و عاطفی، می‌تواند در حضور پررنگ مردم در مسجد نقش به‌سزایی داشته باشد

مسجد؛ کانون معنویت و تدبیر

برخی گمان می‌کنند این‌گونه از مساجد توانسته‌اند با هزینه‌های مادی زیاد این‌گونه اقدامات را انجام دهند.

برخی دیگر ممکن است تصور کنند که این اتفاق صرفاً در محله‌های شلوغ و پرجمعیت می‌افتد. اما در واقع علت اصلی چیز دیگری است.

برای اینکه علت اصلی یا رمز موفقیت این‌گونه مساجد را دریابیم، باید به سراغ فلسفه و هدف تأسیس مسجد در اسلام برویم.

ساختمان مسجد در اسلام، اولین بار توسط نبی مکرم اسلام ﷺ بنا شد. اما داستان بنای مسجد در مدینه توسط ایشان، به ما کمک می‌کند تا هدف از تأسیس مسجد در اسلام را بهتر بفهمیم.

حضور پیامبر در مدینه اقتضا می‌کرد مرکزی پایه‌گذاری شود که هم محلی برای عبادت خداوند و هم مرکزی برای اجتماع مردم باشد.

زمانی که پیامبر اکرم ﷺ وارد مدینه شدند، بسیاری از مردم آنجا علاقه داشتند که ایشان میهمان آنان باشند. اما پیامبر ﷺ به دلایل گفته شده، به دنبال محل مناسبی بودند؛ به همین جهت ایشان مهار شتر خود را رها کردند و قرار بر این شد که هر جا شتر متوقف شد، همان‌جا محل سکونت ایشان باشد. شتر ایشان در محل فعلی مسجدالنبی ﷺ زانو زد و مسجد و خانهٔ پیامبر ﷺ را همان‌جا ساختند.

علت انتخاب مسجد برای ارتباط با مردم توسط پیامبر ﷺ، این بود که مسجد این ظرفیت و قابلیت را داشت که هم از آن به عنوان مکانی برای انجام مراسم عبادی استفاده شود و هم می‌توانست محل و کانونی برای بررسی امور سیاسی، قضایی، تعلیم مسائل دینی و حتی آموزش‌ها و تصمیمات نظامی مسلمانان باشد. در واقع، مسجد دربردارندهٔ همهٔ نهادهای سیاسی و اجتماعی بود.

مسجد، در زمان پیامبر گرامی اسلام ﷺ، توانسته بود عمیق‌ترین پیوندها را میان علم و ایمان به وجود بیاورد.

این نوع مدیریت و بهره برداری از مسجد در زمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز وجود داشت. و ایشان پایگاه خلافت خود را مسجد کوفه قرار داده بودند.

در این نوع استفاده، مسجد صرفاً یک پایگاه عبادی نیست؛ بلکه هم برای معنویت و عبادت از آن استفاده می‌شود و هم در راستای تدبیر امور زندگی جاری مردم کاربرد دارد.

در واقع، مسجد متناسب با نیازهای جامعه و مردم به آنها خدمت می‌کند و مردم نیز با حضور خود، به رشد، پویایی و تعالی مسجد، که همان گسترش و تعمیق دین خدا است، کمک می‌کنند.

مسجد؛ مکانی چند منظوره بر محور عبادات

ارتباطات و اجتماعات مردم در مسجد، بر محور «ذکر، نماز و توجه به خداوند» شکل می‌گیرد. بر مدار همین محور هم مسائل و مشکلات نمازگزاران و جامعهٔ اسلامی حل خواهد شد.

مسجد در اسلام، محلی است که باید

> استفاده از ظرفیت نوجوانان و جوانان در برنامه‌های مختلف مسجد، می‌تواند به حضور پررنگ‌تر این قشر در مسجد کمک کند

استفادهٔ چندمنظوره داشته باشد. برخی از این استفاده‌های چند منظوره که امنای مسجد با نظارت امام جماعت می‌توانند آنها را احیا کنند، عبارت است از:

۱. مؤمنین نمازگزار می‌توانند برنامهٔ روزانهٔ خود را با توجه به وقت نماز در مسجد تنظیم کنند و قرار ملاقات‌های خود را در مسجد قرار دهند.

۲. مسجد باید به گونه‌ای مدیریت شود که همهٔ مردم به‌راحتی بتوانند در برنامه‌های آن شرکت کنند. مثلاً این گونه نباشد که مسجد در اختیار حزب یا گروه خاصی باشد و این مسئله باعث شود که عده‌ای از مردم به مسجد نیایند.

۳. مراکز فرهنگی دیگر وابسته به مسجد مانند حسینیه‌ها و کانون‌های فرهنگی، باید مؤید مسجد باشند و نه رقیب آن.

۴. امنای مسجد می‌توانند برای پاسخگویی به شبهات جوانان برنامه‌ریزی نموده و جلساتی را به شکل منظم برگزار کنند؛ فرد شبهه‌دار، مانند آدم تیرخورده است که باید تیر را از پایش کشید. باید شبههٔ او را برطرف کرد.

۵. متولیان مساجد می‌توانند در کنار مساجد، اتاقک‌هایی در نظر بگیرند که بچه‌ها در آن بازی کنند یا به آنها اشعار و سرودهای خوب دینی آموزش داده شود.

۶. امنای مسجد می‌توانند برای استفاده از ظرفیت طلاب، دانشجویان و اساتید دانشگاه برنامه‌های ویژهٔ معرفتی در نظر بگیرند.

۷. استفاده از ظرفیت نوجوانان و جوانان در برنامه‌های مختلف مسجد، می‌تواند به حضور پررنگ‌تر این قشر در مسجد کمک کند.

۸. برگزاری جلسات و نشست‌های تخصصی در موضوعات مختلف اعتقادی، فرهنگی و سیاسی و استفاده از اساتید آگاه، مؤدب و خوش‌فکر، یکی از کارهای مناسبی است که متولیان مسجد می‌توانند انجام دهند.

۹. دعوت از مشاوران امین، کاربلد و مؤمن برای کمک به حل مشکلات مختلف نمازگزاران، از جمله کارهای خوبی است که با تصمیم هیئت امنای مسجد می‌تواند انجام شود.

۱۰. ارتباط فعال با نمازگزاران و ایجاد پیوندهای دوستی و عاطفی، می‌تواند در حضور پررنگ مردم در مسجد نقش به‌سزایی داشته باشد. گاهی اوقات با یک سلام و احوالپرسی و چند کلمه گفت‌وگو، می‌توان یک نفر را برای همیشه جذب مسجد و دین کرد.

رمز موفقیت در مساجدی که توانسته‌اند حضور پرتعداد، پرشور و هدفمند مردم را تجربه کنند، استفاده از همین نکات ساده است. راه‌کارهایی که از نظر مادی هزینهٔ زیادی ندارد ولی از جهت تأثیر معنوی، نتایج درخشانی دارد◆

منابع:

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب در جمع ائمهٔ جماعات استان تهران، ۱۳۹۵/۰۵/۳۱.

۲. گفتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی پیرامون مسجد.

مسجد باید به گونه‌ای مدیریت شود که همهٔ مردم به‌راحتی بتوانند در برنامه‌های آن شرکت کنند

کارگاه پرورش انسان

به بهانه روز جهانی مسجد و حمله به مسجد الاقصی

حسن علی‌آبادی

۳۱ مرداد مصادف با روز جهانی مسجد است. در ساعت ۷ صبح سال ۱۳۴۸ «دنیس مایکل ولیم روهان» شهروند اسرائیلی، مسجدالاقصی را به آتش کشید که در پی آن ۱۵۰۰ متر مربع از فضای مسجد از بین رفت و منبر تاریخی مسجد که منسوب به سلطان ناصر صلاح‌الدین یوسف بن ایوب (سال ۵۸۳ هجری) بود در آتش سوخت. در اجلاس وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی، این روز به پیشنهاد سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ایران به عنوان روز جهانی مسجد معرفی شد و مورد قبول حاضران قرار گرفت.

از این نوع اتفاق‌ها در طول تاریخ اسلام و به ویژه در کشورهای اسلامی که مردم از مساجد به عنوان پایگاهی برای انسجام نیروها و به عنوان مراکزی علیه پایگاه‌های ظلم استفاده می‌کردند، زیاد اتفاق افتاده است. چنانچه در تاریخ انقلاب نیز مساجدی مانند مسجد گوهرشاد، مسجد کرمان و مساجدی از این دست را می‌توان یافت که مورد حمله نیروهای امنیتی و نظامی مزدوران حکومت‌های مختلف بوده است. در پی این اقدامات علاوه بر هتک حرمت مساجد، بسیاری از انسان‌های بی‌گناه نیز مورد آسیب و یا کشتار واقع شدند.

چه نوع تعاملی در فضای مسجد و ارکان مسجدی حاکم بوده که این‌گونه در راه اهداف دینی، جان‌فشانی، ایثار و فداکاری وجود داشته است؟ چه مسئله‌ای مساجد را در دورهٔ جنگ تحمیلی به عنوان پایگاه اصلی جذب و ارسال نیرو به جبهه قرار داده است؟

بازشناسی هویت، جایگاه و نقش مسجد در جامعه، راه‌گشای بسیاری مشکلات و معضلات امروز جامعه خواهد بود.

در آیات قرآن کریم، مسجد ملک خدا و به عنوان عمارتی است که تنها مؤمنین به خدا و روز معاد مبادرت به ساخت آن می‌کنند. چنانکه می‌فرماید: «إِنَّما یعْمُرُ مَساجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْیوْمِ الآخِرِ وَ أَقامَ الصَّلاةَ وَ آتَی الزَّکاةَ وَ لَمْ یخْشَ إِلاَّ اللَّهَ فَعَسی أُولئِک أَنْ یکونُوا مِنَ الْمُهْتَدین»[1]

در روایتی از امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) رفت

> چه نوع تعاملی در فضای مسجد و ارکان مسجدی حاکم بوده که این‌گونه در راه اهداف دینی، جان‌فشانی، ایثار و فداکاری وجود داشته است؟

آتش سوزی مسجد الاقصی ۱۳۴۸

و آمد به مسجد دربردارنده هشت فایده دانسته شده که عبارتند از:

۱. نشانه‌ای استوار و محکم (در دین).

۲. برادری قابل استفاده.

۳. علمی کمیاب.

۴. امید رحمت.

۵ و ۶. سخنی که موجب هدایتش شود یا از گمراهی بازش دارد.

۷ و ۸. ترک گناه یا از خجالت و یا از ترس.[۲]

رهبر انقلاب اسلامی نیز دربارهٔ مسجدی که بخواهد محور جریان دینی جامعه باشد، عنوان مسجد تراز اسلامی[۳] را به کار برده‌اند. شاید مهم‌ترین اثر چنین مسجدی قرار گرفتن در جایگاه اصلی مردم‌سالاری دینی است.

بر این اساس، باید به درک درستی از ویژگی‌های مسجد تراز اسلامی رسید. در این یادداشت به برخی از این ویژگی‌ها اشاره می‌شود:

۱ اقامهٔ نماز

با اینکه واژهٔ «مسجد» برای هر مکانی است که امکان برپایی نماز در آن وجود دارد، اما آن همه تأکید و اشاره به ساخت و نگهداری یک فضای جمعی با احکامی ویژه و کاربری‌های متعدد، حکایت از اجتماعی بودن مسجد و در نتیجه جامعه‌ساز بودن آن دارد.

بر اساس معارف قرآنی، اولین خصوصیت مؤمنینی که به قدرت می‌رسند، اقامهٔ نماز است: «**الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ**».[۴]

نماز درونی‌ترین راه ارتباطی با خدا است که از آغاز آفرینش بر هر پیامبر و انسان عاقل و مکلفی واجب بوده و تا قیامت نیز خواهد بود. هرچند ادیان مختلف در فرم و شکل نماز متفاوت عمل کرده‌اند، در اصل این عمل عبادی اتفاق نظر دارند و شریعت اسلام نیز بهترین نسخهٔ عملی اقامهٔ نماز را -چه در حال فردی و چه در شرایط جمعی- ارائه کرده است.

از این‌رو، نماز محوری‌ترین عمل مسجدی

> در آیات قرآن کریم، مسجد ملک خدا و به عنوان عمارتی است که تنها مؤمنین به خدا و روز معاد مبادرت به ساخت آن می‌کنند

مسجد گوهرشاد بعد از به توپ بسته شدن ۱۳۱۴

است که اهتمام سه‌وعده‌ای به آن ضروری است. اگر مسجد در زمینهٔ اقامهٔ نماز که در قرآن به‌عنوان بزرگ‌ترین ذکر خداوندی معرفی شده بتواند نقش‌آفرینی فعال داشته باشد، می‌تواند تربیت جامعهٔ انسانی را به دوری از فحشا و منکر نزدیک کند؛ «**إِنَّ الصَّلاةَ تَنْهى عَنِ الْفَحْشاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَر**».[۵]

۲ ارتباط دوستانه با همسایگان مسجد

یکی از توصیه‌ها در روایات معصومین علیهم‌السلام، دستور به اقامهٔ نماز در مسجد برای همسایهٔ این مکان مقدس است. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل شده که فرمودند: «نماز همسایهٔ مسجد، جز در مسجد صحیح نیست، مگر اینکه عذری داشته باشد یا مریض باشد».[۶]

از طرفی در روایت مشهور امام حسن مجتبی علیه‌السلام از علت دعای فراوان حضرت صدیقهٔ طاهره علیهاالسلام برای همسایگان آمده که فرمودند «اول همسایه، سپس خانه».[۷]

شاید از این دو روایت بتوان این مفهوم را نیز برداشت کرد که چنانکه اقامهٔ نماز برای همسایهٔ مسجد در آن ضروری است، اهل مسجد نیز در ایجاد ارتباط با همسایگان مسجد و تشویق آنان به حضور در این مکان مقدس، باید نقش فعال و جدی ایفا کنند تا اجتماع ایمانی مؤمنین در ذیل تربیت مسجدی تقویت شود و کسی از مشکلات و نیازهای دیگری غافل و بی‌خبر نماند.

این رفتار، پیش و پس از انقلاب به عنوان کاری جدی و دائمی در مساجد بوده است و امام مسجد و متولیان آن، پشتیبان، همراه و همدل مردمی بوده‌اند که با شرایط حکومت ستم‌شاهی و همچنین بحران اقتصادی، فرهنگی و... دست و پنجه نرم می‌کردند.

۳ ارتباط با جوانان

آبادانی مسجد، بیش از آنکه به ساخت زینت‌های ظاهری این بنای دینی مربوط باشد، وابسته به حضور انبوه جوانان است.

دین به عنوان منبع اصلی معرفتی و تربیتی انسان، توجه به پرورش جوانان به عنوان نسل آیندهٔ جامعه را ضروری می‌داند. شرایط جوانی نیز اقتضائاتی دارد که رفاقت، گفت‌وگو، اجتماعی بودن و پذیرش مسئولیت از جملهٔ آنها است.

مسجد به عنوان پایه‌ای‌ترین فضای اجتماعی دین، محلی است که به واقع می‌تواند زمینه‌ساز این مسئلهٔ پراهمیت و ضروری باشد؛ چنانکه امام حسن مجتبی علیه‌السلام نیز یکی از هشت فایدهٔ مسجدی‌شدن

> اهل مسجد در ایجاد ارتباط با همسایگان مسجد و تشویق آنان به حضور در این مکان مقدس، باید نقش فعال و جدی ایفا کنند تا اجتماع ایمانی مؤمنین در ذیل تربیت مسجدی تقویت شود

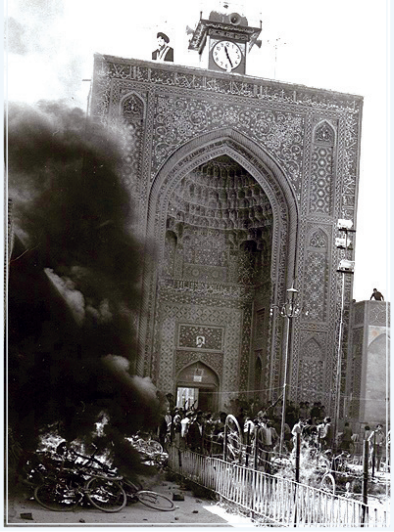

آتش سوزی مسجد جامع کرمان
۱۳۵۴

را یافتن برادر و دوستی سودمند معرفی کردند.

بسیاری از جوانان به دلیل برخی واکنش‌های بعضی متولیان مساجد، از این مکان امن اخلاقی و الهی فاصله گرفته‌اند و این امر، آسیب جدی و مشکل‌ساز جامعهٔ امروز ما است. در حالی که پیش از انقلاب و نیز در دفاع مقدس، مساجد محله‌ها سنگر اصلی مبارزان بودند که در خود جوانانی متعهد و متدین را پرورش می‌دادند.

۴ کارگاه آموزشی و عملی معارف دین

اگرچه ممکن است مدارس و دانشگاه‌ها به عنوان مراکز آموزشی خود را متولی رفتارسازی و تربیت عملی دانشجویان و دانش‌آموزان ندانند، اما هیچ اجتماعی نمی‌تواند آثار تربیتی و اخلاقی نداشته باشد.

پر کردن این خلأ تربیتی و اخلاقی، جز با بهره‌مندی از فضای پرورشی دیگر که ماهیت اصیل آن تربیت نفوس انسانی است، امکان‌پذیر نیست. از این‌رو مسجد به عنوان محل اجتماع نمازگزاران می‌تواند فضای تربیتی انسانی و اخلاقی و متعالی را فراهم کند؛ چنانکه در روایت امام حسن مجتبی علیه‌السلام نیز، آموزش دین و معارف، به عنوان یکی از هشت فایدهٔ مسجد معرفی شده است.

در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده که فرمودند: «**بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِئَةُ**»؛[8] فرزندان خود را پیش از آنکه گروه‌های منحرف گمراه سازند، با احادیث و معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام آشنا کنید.

این مهم اگر در فضای مسجد فراهم شود، جامعه را از گزند انحرافات دور خواهد داشت.

نمونهٔ آن نیز در مساجد فعال و پاسخگوی پیش از انقلاب در مواجهه با شبهه‌افکنان حرکت انقلابی مردم ایران، دیده می‌شود. دستور امام به تبیین انحرافات رژیم پهلوی از طریق مساجد، یکی از مهم‌ترین نقش‌آفرینی‌های این اماکن الهی بوده است.

برپایی کرسی‌های آزاداندیشی در فضای مسجد، استقبال از ایده‌ها و طرح‌هایی که مورد نیاز و استقبال مردم است، توجه به حل مسائل جوانان در دو افق محلی و ملی و...، تراز مسجد را در نقطه‌ای متعالی و قابل اتکا قرار خواهد داد که مورد توجه همهٔ نسل‌ها و همچنین جوامع دیگر خواهد بود◆

پی‌نوشت‌ها:

۱. توبه(۹): ۱۸.
۲. تحف‌العقول: ص۲۳۵.
۳. بیانات در دیدار با ائمهٔ جماعات مساجد استان تهران: ۱۳۹۵/ ۵/۳۱.
۴. حج(۲۲): ۴۱.
۵. عنکبوت(۲۹): ۴۵.
۶. بحارالأنوار: ج ۳۷۹/۸۰.
۷. وسائل‌الشیعه: ج۱۱۳/۷.
۸. کافی: ج۴۷/۶.

> بسیاری از جوانان به دلیل برخی واکنش‌های بعضی متولیان مساجد، از این مکان امن اخلاقی و الهی فاصله گرفته‌اند و این امر، آسیب جدی و مشکل‌ساز جامعهٔ امروز ما است

وقف هوشمندانه

تبیین شرایط و نمونه‌های هوشمندانه برای وقف

روح‌الله حبیبیان

> برخی از واقفین برای جذب کودکان به مساجد، درخت‌های میوه را وقف می‌کردند تا محصول آنها فقط به کودکانی داده شود که برای نماز به مسجد می‌آیند

مصادیق وقف خوب با رعایت نکات شرعی

قطعاً وقف یکی از زیباترین و پایدارترین احکام مستحب در اسلام است که در طول تاریخ از بیشترین اقبال در جوامع اسلامی برخوردار بوده و مسلمانان همواره از این ابزار راهی برای تداوم کسب ثواب و جلب رضایت الهی در مسیر خدمت به خلق در پیش روی خویش می‌گشودند. اما یکی از زیباترین و البته مهم‌ترین ابعاد وقف، انتخاب موضوعاتی است که واقفین برای انجام این عمل خیر می‌گزیدند.

دلیل این امر هم در این نکته نهفته بود که واقف برای جلب رضای خداوند به دنبال عملی بود که بیشترین خیر را به بندگان خدا برساند و بیشتر مورد استفاده و بهره‌مندی مردم قرار بگیرد. در نتیجه، بعد از انتخاب امور مشهور و واضح عام‌المنفعه مثل ساخت مسجد، حسینیه، پل، مدرسه و... توسط دیگر واقفین، گزینه‌های خاص و گاهی بسیار هوشمندانه توسط خیران زیرک بعدی انتخاب می‌شد.

برخی از واقفین برای جذب کودکان به مساجد، درخت‌های میوه را وقف می‌کردند تا محصول آنها فقط به کودکانی داده شود که برای نماز به مسجد می‌آیند؛ یا وقف برای کسی که قرائت نماز مؤمنان را در طول سال تصحیح کند و به افراد علاقه‌مند مخصوصاً نوجوانان قرائت صحیح نماز را آموزش دهد.

در زمان ما نیز کم نبودند افرادی که با نگاهی عمیق و دقیق به دنبال تحقق اهدافی بلند و ارزشمند در سایهٔ وقف بودند؛ همانند پیرمردی روستایی که زمینی را برای قاتل سلمان رشدی مرتد وقف کرد، یا افرادی که برای تقویت صنعت هسته‌ای کشور، برای دانشجویانی که رشتهٔ انرژی هسته‌ای را برای ادامهٔ مسیر علمی خویش انتخاب می‌کنند، اموالی را وقف نمودند.

مال بی‌مشکل خودت

امروزه نیز یکی از مهم‌ترین ابعاد وقف مخصوصاً برای مساجد، دقت در انتخاب گزینهٔ مناسب و پرفایده در جهت رفع نیازهای مؤمنان یا ایجاد برکات و اثرات مطلوب فرهنگی است که توجه و تمرکز در این مصادیق، می‌تواند به ایجاد انگیزهٔ بیشتر در خیّران نیز کمک کند و چه بسا از صرف اموال خیر در امور کم‌فایده و یا بی‌فایده، جلوگیری نماید.

گام اول در تشخیص مصادیق وقف، رعایت اصول شرعی است؛ در واقع باید دید از نگاه شریعت، وقف در چه اموری صحیح و مورد تأیید است. اولین نکته در وقف، این است که مال مورد وقف در ملکیت واقف و در تحت اختیار او باشد؛ در نتیجه انجام وقف در مورد تمام خانه‌ای که دیگران هم در آن سهم دارند یا به هر دلیل الآن در اختیار فرد واقف نیست، مشروع نیست. گاهی عدم توجه به همین نکته، مؤمنان و هیئت امنا را گرفتار مشکلات حقوقی و اجتماعی می‌کند و حتی دیده شده بعد از ساختن بناهایی به نیت مسجد، تازه وجود معارض، شکایت و عدم رضایت دیگر مالکان بروز کرده و خسارت‌های زیادی به اموال و نیات مؤمنان وارد می‌سازد.

وقف برای امور خیر

یکی دیگر از شرایط شرعی وقف، آن است که این مال موقوفه مصرف مشروع و معقولی داشته باشد؛ در نتیجه اگر فرض کنیم کسی تعدادی قمه را برای قمه‌زنی در عزاداری‌ها در یک مسجد یا حسینیه وقف کند، با توجه به اینکه طبق نظر مراجع این عمل حرام است، این وقف هم صحیح نخواهد بود.

همچنین وقف نباید به گونه‌ای انجام شود که مانع انجام یک وظیفهٔ شرعی، یا عامل ایجاد یک امر غیر شرعی محسوب گردد. به عبارت روشن‌تر، در انجام وقف نباید انجام وظایف شرعی و عقلی دیگری تعطیل گردد؛ فرض کنید کسی مالی را وقف کند که از آن در روز نیمهٔ ماه مبارک رمضان

بهتر است در مساجدی که فضاهای فرهنگی دارند، بخشی مهیا گردد تا کودکان بتوانند در آنجا مشغول بازی و سرگرمی شوند

به همهٔ نمازگزاران مسجد ناهار داده شود یا در روز اول هر ماه قمری، خیابان بسته شده و به همهٔ عابران شربت داده شود و... البته شنیدن این مثال‌ها ممکن است در ابتدا موجب خنده و تلقی شود که هیچ مسلمانی حاضر نیست روزهٔ دیگر مسلمانان را باطل کند یا با سد معبر کامل باعث اذیت و آزار مردم گردد. اما حقیقت آن است که کم نیست کارهایی که به نیت وقف انجام می‌گردد، اما با دقت می‌توان دریافت که این اعمال یا مورد رضایت شارع مقدس نیست یا حداقل امری مطلوب و دارای رجحان به حساب نمی‌آید.

چند پیشنهاد راهبردی

در زمان ما کم نیستند افرادی که مایل به انجام وقف هستند، اما نمی‌دانند امروزه چه وقفی می‌تواند بیشترین فایده را به مؤمنان و اهل مسجد برساند. در مورد این دغدغه به چند مصداق اشاره می‌کنیم:

- وقف آسانسور برای بسیاری از مساجد یکی از ضروری‌ترین امور به‌ویژه برای بانوان نمازگزار است؛ باوجود یک آسانسور، افراد مسن و دارای مشکلات حرکتی نیز به‌راحتی قادر به بهره‌مندی از برنامه‌های معنوی مسجد می‌شوند.
- بهتر است در مساجدی که فضاهای فرهنگی (که صیغه مسجد در آنها خوانده نشده) دارند، بخش کوچکی ترجیحاً در قسمت خواهران مهیا گردد تا کودکان بتوانند در آنجا مشغول بازی و سرگرمی شده، والدینشان با خیال راحت به نماز خود بپردازند.
- یکی دیگر از ضرورت‌های وقف، ایجاد فضای تدریس و تعلیم علوم دینی در مساجد است، امری که در زمان پیامبر و اهل‌بیت(علیهم‌السلام) رواج داشت یعنی در کنار هر مسجد، جایی برای آموزش قرآن و معارف دینی وجود داشت. با فراهم نمودن امکانات اولیه و گسترش زمینه‌ها علمی دیگر می‌توان شاهد رونق مساجد در تمام روزهای سال بود.
- از جمله لوازم بسیار کم‌هزینه و پرفایده در مساجد، دستگاه خوشبوکنندهٔ فضا و لوازم معطر نمودن نمازگزاران است که موجب افزایش فضیلت نماز و حال خوش معنوی نمازگزاران می‌شود.
- رعایت سلامت نمازگزاران و بهداشت عمومی در فضاهای مرتبط با مسجد لازم و ضروری است. به‌عنوان مثال می‌توان وسایل موردنیاز سرویس‌های بهداشتی مسجد، از جمله مایع دستشویی یا دمپایی و شیرآلات را تهیه نموده و به عنوان نذر یا وقف در اختیار مومنین قرار داد. نمونه دیگر این نوع صدقه‌ها در ایام و روزهایی که همه گرفتار ویروس کرونا هستیم، تهیه ماسک و وسایل ضدعفونی‌کننده است. این نوع وسایل آرامش روانی نمازگزاران را فراهم نموده و مانعی از بدگویی افراد مغرض خواهد بود.

> از جمله لوازم بسیار کم‌هزینه و پرفایده در مساجد، دستگاه خوشبوکنندهٔ فضا و لوازم معطر نمودن نمازگزاران است

خدا اصل است

ضرورت استفاده از افراد متعهد و متخصص در ادارهٔ مسجد

محمد میری

هزار و چهار صد سال پیش، کارشناسان و متخصصان مصلحت‌اندیش، علی علیه‌السلام را گفتند: حال که مردم حکومت را به دستان تو سپردند، تا محکم شدن پایه‌های حکومتت، معاویه را تحمل کن!

اما امام علیه‌السلام یک لحظه هم به تحمل معاویه فکر نکرد؛ وارد مبارزه با معاویه شد و به یاری مردمانی شتافت که وَبای حکومت او دامانشان را گرفته بود.

در مکتب همین امام و پس از قرن‌ها، انسان‌هایی چون شهید چمران پرورش یافتند که در جواب

> می‌گویند تقوا از تخصص لازم‌تر است، من آن را می‌پذیرم؛ اما می‌گویم آن کس که تخصص ندارد و کاری را می‌پذیرد، بی‌تقوا است

سؤال «تقوا بهتر و بالاتر است یا تخصص؟» گفت: «می‌گویند تقوا از تخصص لازم‌تر است، من آن را می‌پذیرم؛ اما می‌گویم آن کس که تخصص ندارد و کاری را می‌پذیرد، بی‌تقوا است!»

بحث از تخصص و تعهد در ایران پس از پیروزی انقلابِ برخاسته از مساجد، به صورت پررنگی جلوه نمود. آن زمان این سؤال مطرح شد که برای ماشین مملکت، رانندهٔ راه‌بلد بی‌تقوا و تعهد بهتر است یا رانندهٔ متعهد و متقی بی‌تجربه؟ آن هنگام در عمل و به حکم ضرورت، متخصصان را به همراهی متقیان فراخواندند و آنجا که بی‌تعهدی رانندگان، ماشین مملکت را به کج‌راهه می‌کشاند و تذکرات هم افاقه نمی‌کرد، رانندگان را از ماشین پیاده می‌کردند.

البته امام خمینی قدس‌سره خطر بالای تخصص بدون تعهد را مستمراً گوشزد می‌نمودند. به عنوان نمونه می‌فرمودند: «ما بارها گفته‌ایم که ما متخصص می‌خواهیم، ولی متخصص متعهد! ولی دشمنان فریاد زدند که اینها با تخصص مخالف‌اند. البته که متخصص منحرف از هرکس خطرناک‌تر است.»[1]

کلام امام خمینی قدس‌سره دقیقاً مطابق دیدگاه توحیدی اسلام است. اسلام، بحث شایستگی مسئولان را مطرح می‌کند. در این دید، اگر مدیر شایسته را همچون پرنده‌ای در نظر بگیریم، تعهد و تخصص دو بال او هستند که با هم او را به اوج آسمان می‌رسانند.

ادارهٔ مسجد به عنوان پایگاه اسلام و خانهٔ خدا نیز شایستگان را می‌طلبد تا راه و رسم یگانه‌پرستی، به بهترین شکل ممکن، پیش چشم همگان قرار داده شود. در نگاه قرآن علم، تخصص و مهارت به تنهایی برای سپردن مسئولیت و مدیریت کفایت نمی‌کند، بلکه عامل جهت دهنده هم نیاز است که همان تعهد می‌باشد.

علم و تقوا در کنار هم، دو معیار اساسی شایسته‌سالاری‌اند. به تعبیری می‌توان گفت تعهد، روح شایسته‌سالاری و تخصص، جسم آن است. اصل با تعهد است اما بدون تخصص، کارایی و کارآمدی در کار نخواهد بود. اگر این نگاه دینی را پذیرفتیم، درک خواهیم کرد که چرا خداوند در قرآن کریم، ابراهیم خلیل، پسرش اسماعیل، زکریای نبی و پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و دیگر انسان‌های رشدیافته و شایسته را اداره‌کننده و خادم مسجد قرار می‌دهد.

قرآن کریم در آیهٔ ۱۲۴ سورهٔ انعام، سنت خداوند متعال را بر این می‌داند که شایستگان زمام امور را به دست گیرند. دلیل آن را هم در آیهٔ ۵۸ سورهٔ نساء چنین بیان می‌کند: زیرا مسئولیت‌ها امانات الهی هستند. بنابراین روشن می‌شود؛ خداوندی که انبیای الهی و انسان‌های رشدیافته را متصدی امور مسجد قرار می‌دهد، مسئولیت ادارهٔ مسجد و خانهٔ خود را به صورت امانت می‌بیند و در اختیار افراد خاصی قرار می‌دهد؛ افرادی که ویژگی‌های آنان در آیات دیگر قرآن کریم بیان شده است. مثلاً در آیات ۲۵ و ۲۶ سورهٔ قصص، به قدرت و امانت ایشان اشاره شده است. قدرت یعنی قوت و توان علمی، جسمی و... برای انجام مسئولیت و امانت یعنی برخورداری از تعهد و تقوا. آیهٔ ۵۵ سورهٔ یوسف هم بر همراهی علم و تقوا در این افراد شایسته تأکید می‌کند.

با این دید، کلام علامه طباطبایی نمود پیدا می‌کند که می‌فرمایند: «کسانی که در سپردن مسئولیت‌ها و کارها تنها به امانت و پاکی قناعت

> متخصصان خائن و آگاهان نادرست، همان ضربه را می‌زنند که درستکاران ناآگاه و بی‌اطلاع خواهند زد. منطق اسلام این است که هر کار باید به دست افرادی نیرومند و توانا و امین سپرده شود

می‌کنند، به همان اندازه در اشتباه‌اند که برای پذیرش مسئولیت، داشتن تخصص را کافی بدانند. متخصصان خائن و آگاهان نادرست، همان ضربه را می‌زنند که درستکاران ناآگاه و بی‌اطلاع خواهند زد. منطق اسلام این است که هر کار باید به دست افرادی نیرومند و توانا و امین سپرده شود...»[۲]

بنابراین، اساساً این سؤال که «از نگاه اسلام در ادارهٔ مسجد تخصص افراد برتر است یا تعهد؟» سؤال درستی نیست؛ چراکه اسلام، ادارهٔ مسجد را مسئولیت می‌بیند و مسئولیت را شایستگان باید عهده‌دار شوند. شایستگان، هم تعهد و هم تخصص را در اوج دارند. به تعبیر دیگر، مسجد را «انسان‌های متخصص» پیش می‌برند و اداره می‌کنند. قوام انسانیت انسان هم به تقوا و تعهد است.

در حقیقت گویا خدا ادارهٔ مسجد و خانهٔ خود را بالاتر از ادارهٔ جامعه و مملکت اسلامی می‌داند؛ چراکه آن افراد شایسته و انسان‌های عالم و با تقوا که به زمامداری جامعهٔ اسلامی برمی‌گزینند را برای خادمی خانهٔ خود انتخاب می‌کند. شاید غفلت از همین نکته، کارشناسان و متخصصان مصلحت‌اندیش هم‌عصر علی علیه‌السلام را بر آن داشت تا او را اصل ببینند و توجه به همین نکته، مولا علی علیه‌السلام را بر آن داشت تا با عمل خود فریاد برآورد که در واگذاری مسئولیت‌ها «خدا اصل است!»◆

پی‌نوشت‌ها:

۱. صحیفهٔ امام: ج۱۵/ ۳۱۰.

۲. ترجمهٔ تفسیر المیزان: ج۱۶/ ۶۷.

زندگی با طعم مقاومت

جایگاه مبارزهٔ عملی با استکبار در دین

ابوالفضل هاشمی

انسان‌ها در رویدادهای زندگی فردی یا اجتماعی، رفتار متفاوتی از خود بروز می‌دهند و این رفتار، برخاسته از نوع نگاه آنها به جهان و روابط میان انسان‌ها است. این نگاه نیز تابع فرهنگ و دینی است که به عنوان سبک زندگی و شیوهٔ رفتار و تعامل با دیگران برگزیده‌اند. سبک زندگی ملت اسلامی ایران، متأثر از فرهنگ اسلامی و دین اسلام، مطابق فهم عمیق و دقیق از قرآن کریم و با قرائت اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام و بنا بر گفتهٔ امام خمینی قدس‌سره اسلام ناب محمدی است.

در میان رفتار انسان‌ها، رفتار اجتماعی اهمیت زیادی در پیشرفت جامعه و اصلاح امور دارد. یکی از مهم‌ترین رفتار اجتماعی، نحوهٔ عمل مسلمانان در مقابل کسانی است که به مقابله با فرهنگ اسلامی

می‌پردازند. هدف اصلی آنها از این مبارزهٔ همه جانبهٔ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، تسلط بر همهٔ شئون زندگی مسلمانان و بهره‌برداری از منابع آنها است. البته غیرمسلمانان نیز از این قاعده مستثنی نیستند و مستکبرانی که در صدد تسلط بر ذخایر خدادادی ملت‌ها هستند، تنها راه رسیدن به خواستهٔ خود را ضعیف نگه‌داشتن ملت‌ها و به نابودی کشاندن فرهنگ و تمدن آنها می‌دانند. فرهنگ قرآن، انسان‌های برتری‌طلب را مستکبر و دیگران را مستضعف می‌نامد. در تعالیم اسلامی، نه مستکبر بودن پسندیده است و نه مستضعف ماندن، و پیروی از استکبار، بسیار مذموم شمرده شده است چرا که عاقبت تبعیت‌کنندگان، همانند مستکبران است.[1]

«استکبار» از ریشهٔ «کِبر» و با «تکبّر» هم‌خانواده و هم‌معنا است.[2] کبر که از صفات ناپسند شمرده می‌شود، حالتی است که انسان خود را بالاتر از دیگران بداند و اعتقاد به برتری خود نسبت به غیر خود داشته باشد.[3] کبر، صفتی درونی است که در رفتاری مانند خودبرتربینی و برتری‌طلبی ظهور و بروز می‌نماید. به این رفتار، رفتار استکباری و به افرادی که این رفتار را دارند، متکبّر یا مستکبر گفته می‌شود. این خصوصیات باعث می‌شود فرد دیگران

را حقیر بشمارد و بر آنان برتری نماید.[۴] بدترین نوع استکبار، تکبر ورزیدن در مقابل خدا از پذیرش حق و اعتراف به عبودیت حق است. اینان همان مشرکان و کافرانی هستند که در برابر حق خاضع نیستند و دست به جرم و جنایت روی زمین می‌زنند؛[۵] چنانکه شیطان اولین کسی است که در مقابل حق استکبار ورزید.[۶] در نتیجه می‌توان استکبار را یک خوی و رفتار شیطانی توصیف کرد.

از آنجا که استکبار، جنبهٔ سیاسی داشته و رفتار ملت‌ها و دولت‌ها با آن پیوند خورده، توجه به مسئلهٔ استکبار از دیدگاه اجتماعی-سیاسی، جایگاه مهمی در فرهنگ اسلامی دارد. واژهٔ استکبار بیشتر به سلطه‌جویی و استعمار دیگران معنا می‌شود و این صفت و رفتار در افراد یا دولت‌هایی که از لحاظ امکانات مادی، بهرهٔ علمی و اقتصادی، موقعیت اجتماعی و سیاسی نسبت به دیگر افراد و ملت‌ها بالاتر و به لحاظ شاخصه‌های اخلاقی و انسانی پایین‌تر هستند، بروز می‌کند.

استکبار در فرهنگ سیاسی اسلام، نوعی سلطه‌جویی و بهره‌کشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توسط اقلیت محدودی زورگو و منفعت‌طلب بر خیل عظیم توده‌های محروم می‌باشد. این عمل می‌تواند داخلی باشد به طریقی که یک عده دیکتاتور بر ملت‌های محروم تحت سلطهٔ خود حاکمیت داشته و به آنها ظلم کنند و همچنین می‌تواند بین‌المللی باشد، بدین معنا که دولت و یا کشوری سایر جوامع و ملت‌ها را استثمار کند و به استضعاف بکشاند که نمونهٔ بارز آن در گذشته و حال، إعمال سیاست‌های استعمارگونهٔ قدرت‌های بزرگ شرق و غرب در جهان است.[۷]

مسئلهٔ مهم، نحوهٔ تعامل با استکبار است. مستکبران از هیچ طریقی برای به استضعاف کشاندن ملت‌ها دریغ نمی‌ورزند. گاهی از طریق تهدید،[۸] گاه به سخره گرفتن و بی‌ارزش نشان دادن فرهنگ دیگران،[۹] در مواقعی نیز قدرتمند نشان دادن خود.[۱۰]

ملت‌ها باید این حیله‌ها را بشناسند و فریب آن را نخورند؛ همان‌طور که قرآن کریم همهٔ این موارد را نیرنگ استکبار معرفی کرده که برای گردن‌کشی این کار را می‌کنند.[۱۱] به بیان قرآن، نباید کسی گمان کند که استکبار قابل هدایت و وفاکننده به عهد است؛ بلکه استکبار همیشه پیمان می‌شکند.[۱۲] برخی پیامبران در زمان خود با مستکبران متعدد روبه‌رو بودند.[۱۳]

پس از شناخت استکبار و نیرنگ‌های آن، اولین قدم مقابله، اعلام انزجار و برائت است. قرآن کریم با صدای بلند این برائت را به گوش همهٔ مسلمانان رسانده است.[۱۴] تولی و تبری جزء فروع دین و احکام واجب اسلامی است. دوست داشتن خدا و اهل‌بیت علیهم‌السلام به همان میزان اهمیت دارد که بیزاری جستن از دشمنان قرآن و پیامبر!

نشان دادن این مبارزه، راهی برای شناساندن استکبار به عالم است. اعلام بیزاری از استکبار برای ایجاد اتحاد در بین صفوف مردم ستمدیده و قوت قلبی برای آنان است. امام خمینی قدس‌سره به عنوان یک اسلام‌شناس آگاه، برائت را نقطهٔ عطف

> در تعالیم اسلامی، نه مستکبر بودن پسندیده است و نه مستضعف ماندن

حج ابراهیمی معرفی نمود و حج را کانون توجه جهانیان قرار داد. نباید کسی گمان کند که اعلام برائت فایده‌ای ندارد؛ وقتی مسلمانان این مبارزه را که استکبار با دشمنی شروع کرده، به صورت یک‌پارچه اعلام کنند، دیگر مستکبران نمی‌توانند با رخنه در میان مسلمانان از اتحاد آنان کاسته و راهی برای نفوذ و ضربه زدن به آنان پیدا کنند. اگر اسلام و قرآن به این میزان به مسئلهٔ استکبار اهمیت داده است، پس مقابله با آن را نیز مهم می‌شمارد و نشان دادن نفرت و بیزاری از سیاست‌های استکبار را نیز از شعائر الهی می‌داند. راه‌کارهای مقابله می‌تواند در هر زمان متفاوت باشد؛ اما اصل مبارزهٔ عملی همواره باقی است. از این‌رو است که دشمنان اهمیت این موضوع را فهمیده و با فریب تبلیغاتی به دنبال بی‌انگیزه کردن مسلمانان و دور کردن آنان از صحنه‌های برائت و مبارزه هستند. مردمی که صحنهٔ مبارزه را خالی کنند، شکست خواهند خورد؛ اما ملتی که با استقامت به راه مقابله با ظلم و ستم ادامه دهد، سرانجام وعدهٔ نصرت الهی شامل او خواهد شد و طعم آزادی و زندگی بدون زور استکبار را خواهد چشید.

اکنون انقلاب اسلامی و ملت مسلمان ایران با تجربهٔ چهل‌سالهٔ خود تحت پیشوایی امام خمینی و مقام معظم رهبری، پیش‌گام این مبارزه است و همواره صحنهٔ این مبارزه را با حضور و استقامت خود، باصلابت حفظ کرده است. حضور در راه‌پیمایی‌ها از جمله سیزدهم آبان، نقشهٔ راه این مبارزه را ترسیم می‌کند. اکنون چشم مستضعفان عالم به این صحنه نظاره‌گر است. شاید برخی از ناظران که گاه با دیدهٔ شک نگاه می‌کنند، منتظر هستند تا ببینند که آیا این مبارزه و استقامت به ثمر می‌نشیند که در این صورت، بیدارشدن همهٔ مظلومان عالم را درپی خواهد داشت و با طوفانی که به‌پا می‌شود، بساط ظلم مستکبران در عالم را برخواهد چید. این، همان وعدهٔ الهی به رهبری پیشوای الهی است[۱۵]◆

> از آنجا که استکبار، جنبهٔ سیاسی داشته و رفتار ملت‌ها و دولت‌ها با آن پیوند خورده، توجه به مسئلهٔ استکبار از دیدگاه اجتماعی-سیاسی، جایگاه مهمی در فرهنگ اسلامی دارد

پی‌نوشت‌ها:

۱. غافر(۴۰): ۴۷و۴۸، ابراهیم(۱۴): ۲۱.
۲. مفردات راغب: مادهٔ «کبر».
۳. مفردات راغب و نراقی، احمد: «معراج السعادة»، قم: هجرت، ۱۳۷۸، ص۲۶۵؛ تفاوت کبر با عُجب در این است که کبر نسبت به دیگران بوده و در عجب، پای دیگری در میان نیست.
۴. نراقی، پیشین: ص۲۶۵.
۵. جاثیه(۴۵): ۳۱.
۶. بقره(۲): ۳۴.
۷. محمدی، منوچهر: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: نشر دادگستر، ص۳۳.
۸. اعراف(۷): ۸۸.
۹. اعراف(۷): ۷۵و۷۶.
۱۰. فصلت(۴۱): ۱۵.
۱۱. فاطر(۳۵): ۴۳.
۱۲. نوح(۷۱): ۷ و فاطر(۳۵): ۴۲.
۱۳. عنکبوت(۲۹): ۳۹.
۱۴. توبه(۹): ۱.
۱۵. قصص(۲۸): ۵.

خانهٔ دل جای این اغیار نیست

بررسی خلق سوء کینه‌ورزی

محمد گلستانی

اتوکشیده، خوش‌بو، خندان، خون‌گرم و مهربان بود. هم‌نشینی‌اش نه‌تنها خستگی در پی نداشت، که لذت می‌آفرید. اهل عفو و گذشت، و از بی‌مهری، عداوت و کینه به دور بود. یک شب هنگام شام در مسجد، جوانک بی‌ادبی، غذایش را عمداً روی عمامهٔ او ریخت. چیزی که دید تنها لبخند بود و عطوفت! فردا و فرداهای دیگر نیز روی خوش و مهر حاج‌آقا فراوان، سرشار و بی‌منت او را در بر گرفت. چندی که گذشت، او هم همانند ما از مریدان حاج‌آقا شده بود.

داستان بالا نمونه‌ای مناسب از عمل امام جماعت و روحانی مسجد است که با وظیفهٔ رهبری‌اش در مسجد، کاملاً سازگار است. روحانی مسجد، رهبری است که وظیفه‌اش هدایت مردمان است. دستیابی به این مهم نیز تنها با تأثیرگذاری امکان‌پذیر است.

تأثیرگذاری و توانایی نفوذ -مخصوصاً در مورد نوجوانان و جوانان- هدفی است که امام مسجد، دائماً باید به آن توجه کند. این تأثیر و نفوذ، بستر و زمینه‌ای لازم دارد که امام جماعت داستان بالا از آن برخوردار است؛ عفو و گذشت و سعهٔ صدر. تصور کنید امام جماعت مذکور از عفو و گذشت بهره‌ای نداشت و دچار بی‌مهری، عداوت و کینه به آن جوانک می‌شد؛ آیا می‌توانست آن جوان را به اسلام و اخلاق اسلامی هدایت کند؟!

بی‌مهری، دشمنی، عداوت، بدخواهی و آزار کسی را در دل پوشیده داشتن، کینه است. این دشمنی نهفته در دل، قلب انسان را فاسد می‌کند و آرامش روحی او را از بین می‌برد. روایات اسلامی بیان می‌کند که خصومت و کینه، آدمی را نزد مردم منفی جلوه می‌دهد.

کینه، یکی از رذایل اخلاقی است و هرچند حالتی قلبی است، اما نمودش در ظاهر، دشمنی است. انسان‌های کینه‌جو همیشه در عذاب هستند، زیرا دائم به این فکر می‌کنند که چگونه از طرف مقابل انتقام بگیرند!

مشکل اساسی‌تر برای کینه‌ورزان، این است که آنها چون همیشه دغدغهٔ فکری عداوت دارند، نمی‌توانند در جهت کمال گام بردارند. احادیث معصومین علیهم‌السلام هم به این نکته اشاره دارد که افراد کینه‌توز، از ایمان بهرهٔ کافی نبرده‌اند. افراد کینه‌جو به‌جای اینکه ایمان را در دل بکارند و خانهٔ دل را با آن آباد کنند، کینه را در دل جای می‌دهند و فضای پاک دل را پُر از ناپاکی و نحسی بدخواهی و عداوت می‌کنند، حال آنکه خانهٔ دل جای این اغیار نیست!◆

بفرمایید چای با کتاب

نقش مسجد در رونق فرهنگ کتاب‌خوانی

فاطمه دولتی

وقتی حرف از کتابخانه و کتاب‌خوانی به میان می‌آید، یاد کتابخانه‌های خاک‌گرفته و کتاب‌های پاره و کهنه‌ای می‌افتیم که سال تا سال خوانده نمی‌شود. کتاب‌هایی که فقط کنجی از مسجد وجود دارد تا مثلاً کار فرهنگی در جریان باشد.

هدف از برپایی یک کتابخانه در مسجد، بالابردن سطح مطالعهٔ مسجدی‌ها است. پس برای رسیدن به این هدف باید یک‌بار دیگر با دید خلاقانه به مسئله نگاه کرد.

سرانهٔ مطالعه در کشور ما بسیار پایین است؛ این جمله‌ای است که بارها آن را شنیده‌ایم. حال اگر مسجد قصد دارد کتاب‌خوانی را ترویج دهد، باید علت پایین بودن سرانهٔ مطالعه در کشور را شناسایی کند.

عدم آشنایی با محتوا

وقتی مخاطب کتابی را نمی‌شناسد، میلی به خواندن آن ندارد. مسجدی‌ها یا دانش‌آموزند، یا بازاری و کارمند یا کارگر و بازنشسته و خانه‌دار و... یعنی مدام اخبار کتاب‌ها را پیگیری نمی‌کنند و از کتاب‌های تازه چاپ شده یا پرمخاطب، بی‌خبرند. پس قدم اول برای ترویج کتابخوانی، «معرفی» است.

هدف از برپایی یک کتابخانه در مسجد، بالابردن سطح مطالعهٔ مسجدی‌ها است. پس برای رسیدن به این هدف باید یک‌بار دیگر با دید خلاقانه به مسئله نگاه کرد

برای این کار باید از جوانان مسجدی کمک بگیرید. به این معنا که از آنها بخواهید کتابی که مورد تأیید امام جماعت است و در بازار نشر هم پر فروش بوده، انتخاب کنند و بخوانند. نکاتی از کتاب را بنویسند و هر هفته یا در مناسبت‌های خاص، یک نفر در ده دقیقه با اجرایی جذاب، کتاب را معرفی کند. اگر مسجدی‌ها بدانند کتابِ حاضر زندگینامهٔ چه کسی است، چه موضوعی دارد و جذاب هست یا نه؟ مشتاق خواندن آن می‌شوند.

برپایی نمایشگاه دائمی

برپایی نمایشگاه دائمی کتاب، به نظر کاری سخت و نشدنی است. اما منظور ما از نمایشگاه، نمایشگاهی تنها با ده عنوان کتاب است. هیئت امنا می‌توانند بعد از استخراج یک لیست معدود از کتاب‌های مناسب که جذاب، انقلابی و مردم‌پسند است، با ناشر آنها تماس بگیرد. این روزها اکثر ناشران کتاب‌های خود را با تخفیف‌های خوبی به فروش می‌رسانند. اگر آنها بدانند که شما کتاب را برای مسجد می‌خواهید، ممکن است تخفیف بیشتری هم لحاظ کنند. با این کار، شما بعد از معرفی کتاب، می‌توانید کتاب را با تخفیف مناسب به مسجدی‌ها عرضه کنید.

کتابخانهٔ همیشه‌خالی

هیئت امنا با نظارت امام جماعت، علاوه بر کتاب‌های فروشی، یک یا دو جلد از کتاب‌های معرفی شده یا محبوب را در کتابخانهٔ مسجد قرار دهد. روی کتاب‌ها، مهر مسجد را بزنند، کتاب‌ها را جلد کنند و آنها را به مسجدی‌ها امانت بدهد.

امانت یا وقف در گردش، کاری است که موجب ترویج کتاب‌خوانی می‌شود. اما برای اینکه از گم شدن یا آسیب دیدن کتاب جلوگیری شود، بهتر است هیئت امنا از جوانان مسجدی کمک بگیرد. بهتر است کسی مسئول امانت دادن کتاب‌ها باشد و تاریخ بازگشت هر کتاب را مشخص کند.

مسابقه

مسابقه در بسیاری از مواقع شور و شوق افراد را بالا می‌برد. از آنجایی که یکی از اهداف مهم ترویج کتاب‌خوانی، جذب جوانان و نوجوانان است، پس مسابقه می‌تواند کارساز باشد. تهیهٔ چند سؤال از متن کتاب و دادن فرصت برای مطالعهٔ آن، شوق خواندن را بالا می‌برد. البته هیئت امنا باید در ایام خاص، مثلاً در اعیاد یا آخرین پنجشنبهٔ هر ماه بین افرادی که به سؤالات پاسخ داده‌اند، قرعه‌کشی کند. هدیه به‌هیچ‌وجه لازم نیست حتماً خاص و گران‌قیمت باشد.

نکتهٔ طلایی

شناسایی مخاطب در ترویج کتاب‌خوانی در مساجد، بسیار مهم است. به جای اینکه به فکر یک کتابخانهٔ چوبی بزرگ باشید، مخاطبین خود را بر اساس جنسیت، سن، تحصیلات و... شناسایی کنید. سپس با جست‌وجوی اینترنتی یا پرس‌وجو از دیگران، مجلات خوب مناسب هر ردهٔ سنی را پیدا کنید و اشتراک یک‌سالهٔ آنها را خریداری کنید. مجلات به علت در بر داشتن مطالب کوتاه و نو، همیشه مورد توجه مخاطب قرار می‌گیرند◆

> برپایی نمایشگاه دائمی کتاب، به نظر کاری سخت و نشدنی است. اما منظور ما از نمایشگاه، نمایشگاهی تنها با ده عنوان کتاب است

مدیریت

رامین قربانی‌نژاد
اعتماد به جوانان، ایجاد پشتوانه برای مسجد
صفحهٔ ۲۷

محمد هاشمی
معجزهٔ شفافیت
صفحهٔ ۳۰

فاطمه دولتی
بهره‌مندی از توانمندی بانوان مسجدی
صفحهٔ ۳۷

از زیرزمین خانه‌ها تا خیابان‌های وسیع

محرم، مانعی که داشت؛ مانعی که دارد

مجتبی حاجیلو

حلقه در را با ضرب‌آهنگ خاصی کوبید. از نردبان بالا رفتیم. به پشت‌بام که رسیدیم، با خودم گفتم: «به خیر گذشت! قرار است حالا همین‌جا بنشینیم.» ناگهان دیدم صاحب‌خانه نردبان را از حیاط خودشان بالا کشید و در حیاط همسایه گذاشت. با ما خداحافظی کرد و التماس دعایی هم به پدرم گفت. به حیاط خانه دوم که رسیدیم دوباره صاحب‌خانه حاضر شد و بعد از سلام و عرض ادب، ما را به پشت‌بام هدایت کرد. دوباره همان داستان تکرار شد. وارد حیاط سوم و چهارم و... تا خانه هفتم شدیم. سید بزرگواری با شالی سبزرنگ روی پیراهن بلندش که تا سر زانوهایش

می‌رسید، به استقبالمان آمد و پدرم را در آغوش گرفت.

-خوش‌آمدی کربلایی.

- دل‌تنگ بودیم سید. هم دل‌تنگ شما هم دل‌تنگ آقا.

سید صاحب‌خانه نگاه پر از محبتش را سمت من چرخاند و لاحول و لا قوه الا بالله گویان، برایم چنین دعا کرد: «ان‌شاءالله جای بابا بشینی جوون.» ما را به زیرزمین منزلش هدایت کرد. تشت پر از زغالی که وسط اتاق بود، هم گرمای مجلس بود و هم نور آن. زمستان آن سال در شهر ما برف سنگینی باریده و هوا به‌شدت سرد بود. وقتی وارد شدیم، همه‌کسانی که دورتادور اتاق کوچک نشسته بودند از جا برخاستند. یازده نفر در زیرزمین بودند و با ورود ما سه نفر، مراسم رسمی شد. پرچم سیاه عزای سیدالشهدا روی دیوار نصب‌شده بود و بر روی آن بارنگ سبز روشنی این‌چنین حک‌شده بود:

این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست
این چه شمعی است که جان‌ها همه پروانه اوست
هرکجامی‌نگرم نور رخش جلوه‌گر است
هرکجامی‌گذرم جلوه‌مستانه اوست

هنوز که هنوز است بعد از هفتاد سال نوکری بر در خانه اهل‌بیت علیهم‌السلام آن پرچم و آن سید و آن خانه از یادم نرفته و بهترین و خالص‌ترین عزاداری طول عمرم بوده است.

پدرم این خاطره را که نقل می‌کرد، به ما می‌گفت: «قدر روزگارتان را بدانید. گریه بر امام حسین علیه‌السلام جرم بود و اهل هیئت و گریه را به زندان می‌انداختند. آن‌هم فقط به جرم برپایی علم عزا.»

رضاخان دستور کاهش تعطیلات دهه اول محرم از ۴ روز به ۳ روز را در سال ۱۳۱۱ شمسی صادر کرد.[1] سال بعد شرط گذاشت اگر قرار است زن‌ها در مراسم حاضر باشند، باید در کنار مردها روی صندلی و نیمکت بنشینند.[2] محرم بعدی بخشنامه‌ای به سراسر کشور، توسط وزارت

قدر روزگارتان را بدانید. گریه بر امام حسین علیه‌السلام جرم بود و اهل هیئت و گریه را به زندان می‌انداختند. آن‌هم فقط به جرم برپایی علم عزا

داخله ابلاغ‌شده بود که روضه‌خوانی در منازل، حوزه‌های علمیه و از همه عجیب‌تر حتی در مراسم ترحیم ممنوع است.[۳] به‌این‌ترتیب اقامه عزا بر مصیبت اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌واسطه حضور فردی سنگدل و مخالف دین‌داری در رأس حکومت، سخت‌ترین کار مؤمنان روزگار رضاخان شد؛ تا جایی که حکومت در برخی موارد، ریش افراد را می‌تراشید و آن‌ها را شکنجه می‌کرد و گاهی ماه‌ها افراد خاطی و ناقض قوانین را زندانی می‌کرد.[۴] مردم کوتاه نیامدند. بر حق پافشاری کردند و حق مانند رودی جاری، کف‌ها را از بین برد و خودش هنوز به مردم منفعت می‌رساند.[۵] رضاخان و سلسله‌اش رفتند و عزای امام حسین علیه‌السلام پابرجا ماند. در طول تاریخ هم همین بوده و هیچ‌چیز مانع برگزاری مراسم محرم نشده است. همواره متناسب با مشکلات مختلف، راهکارهایی ارائه‌شده و مؤمنین به بهترین شکل به ابراز عشق و علاقه خود به فرزند رسول خدا پرداخته‌اند.

امسال با شیوع ویروس کرونا، زمزمه‌هایی مبنی بر عدم برگزاری مراسم در دهه اول محرم به گوش رسید. برخی از روی عناد و بعضی از سر دلسوزی بر آن دامن زدند و هرکدام دلیل‌های گوناگونی مطرح کردند. رهبر معظم انقلاب با تأکید بر اصل برگزاری مراسم از مردم خواستند تا به دستورالعمل‌هایی که از طرف ستاد ملی مقابله با کرونا برای برگزاری دهه اول محرم ابلاغ می‌شود، عمل نمایند.[۶]

اعضای هیئت‌امنای مساجد و مسئولان برگزاری هیئت‌ها، در راستای حفظ سلامت تمام افراد جامعه و همین‌طور اقامه پرشور عزای حضرت اباعبدالله علیه‌السلام منتظر ابلاغ برنامه جامع ستاد مقابله با کرونا هستند؛ تا به بهترین وجه و کمترین آسیب به‌سلامت کشور، دلدادگی خود را به اهل‌بیت و جامعیت دین‌داری در همه ابعاد را به دیگران به نمایش بگذارند.

رضاخان‌ها با چکمه و شکنجه و حبس، توان متوقف کردن موتور محرک شیعه را نداشتند، حالا هم این ویروس منحوس و حقیر با درایت و هوشمندی مردم یارای اخلال در روند رو به رشد جامعه را نخواهد داشت◆

> **رهبر معظم انقلاب با تأکید بر اصل برگزاری مراسم، از مردم خواستند تا به دستورالعمل‌هایی که از طرف ستاد ملی مقابله با کرونا برای برگزاری دهۀ اول محرم ابلاغ می‌شود، عمل نمایند**

پی‌نوشت‌ها:

۱. مریت هاکس، ایران: افسانه و واقعیت، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸، ص ۱۹۱ و ۱۹۲. به نقل از سایت مشرق.

۲. خشونت و فرهنگ: اسناد محرمانه کشف حجاب (۱۳۱۳-۱۳۲۲)، به کوشش مدیریت پژوهش، انتشارات و آموزش، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۱، ص ۱۴۴. به نقل از سایت مشرق نیوز.

۳. مجله پاسدار اسلام، اردیبهشت ۱۳۸۵، شماره ۲۹۳.

۴. پهلویسم یا شبه مدرنیسم در ایران، تحقیق و تدوین: مجتبی زارعی، رضا مختاری، خانه کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۴۸۱.

۵. برگرفته از آیه ۱۷ سوره رعد.

۶. «توصیهٔ من و تأکید من به همهٔ کسانی که می‌خواهند عزاداری کنند -هیئات، آقایان حضرات منبری‌ها، صاحبان مجالس، مدّاح‌ها، نوحه‌خوان‌ها و دیگران- این است: هر کاری می‌کنید، [اوّل] ببینید آنها چه می‌گویند؛ یعنی ستاد ملّی کرونا. اگر چنانچه یک ضابطه‌ای را معیّن کرد برای عزاداری، همهٔ ما موظّفیم آن را عمل کنیم.» بیانات در سخنرانی تلویزیونی به‌مناسبت عید قربان. ۱۳۹۹/۵/۱۰.

جوانان نیز می‌توانند سنگر را حفظ کنند

اعتماد به جوانان، ایجاد پشتوانه برای مسجد

رامین قربانی‌نژاد

امام جماعتی که نتواند با جوانان ارتباط برقرار کند و نیازهای آنها از دین را نشناسد، در مسجد موفقیت چشمگیری نخواهد داشت

مسجد به‌عنوان اصلی‌ترین پایگاه فرهنگی اسلامی می‌تواند نقش مهمی در تربیت و ایجاد وحدت و همدلی در میان مسلمانان داشته باشد. اهمیت این مکان مقدس به‌قدری است که در صدر اسلام، تقریباً تمام برنامه‌ریزی‌ها، اجتماعات و جلسات نبی مکرم اسلام ﷺ در مسجد برگزار می‌شد. در حقیقت، مسجد فقط برای اقامهٔ نماز نبوده است، بلکه تمام کارهای مهم جامعهٔ اسلامی در این مکان انجام می‌شد. در روایات هم آمده است که وقتی حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه ظهور می‌کنند، محل اقامت و نیز محل حکمرانی خود را مسجد قرار خواهند داد که این خود به اهمیت این مکان مقدس اشاره دارد. در کشور ما -مخصوصاً پس از انقلاب و در دوران دفاع مقدس- مسجد

تقریباً جایگاه اصلی خود را دوباره به دست آورد و مکانی برای بسیج نیروهای مردمی و آموزش آنها بود. همچنین سازمان‌دهی و پشتیبانی نیروها و جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای جبهه‌ها در این مکان صورت می‌گرفت. حتی در دهۀ اول انقلاب، هنرمندان ارزشی و انقلابی کارهای خود را از همین مکان شروع کرده‌اند و بسیاری از سرودهای انقلابی و نمایش‌های ارزشی در مساجد تمرین و برگزار می‌شده است؛ اما متأسفانه پس از جنگ تحمیلی و مخصوصاً سال‌های گذشته، به علت سهل‌انگاری‌ها و نبود برنامه‌ریزی صحیح، مساجد در جذب جوانان ضعیف عمل کرده‌اند.

اولین اشکالی که در سال‌های اخیر گریبان مسجد را گرفته، نحوۀ مدیریت آن است. مدیریت مساجد به‌گونه‌ای شده که کمتر به جوانان میدان داده می‌شود. مساجد کمی هستند که به جوانان اعتماد کرده و کارهایی را به آنها می‌سپارند، اما بیشتر مساجد اگر هم کاری بر عهدۀ آنها می‌گذارند، با دخالت‌های دست‌وپاگیر، میل و اشتیاق جوانان برای همکاری با مسجد را از بین می‌برند. گردانندگان مساجد و به‌ویژه هیئت امنا، با تکیه بر نیروی خلاق و انرژی مضاعف جوانان، می‌توانند روش‌های نوینی برای ادارۀ مسجد در نظر بگیرند و از سختی‌های خدمت‌سرانی به سبک سنتی، آسوده شوند. اگر این زمینه در میان مسجدی‌ها فراهم نشود و رشد نکند، جوان در زمانه‌ای که از تمام جهات بر هویت دینی و فرهنگی‌اش هجمه وارد می‌شود و او را به پوچی و انحراف می‌خوانند، نمی‌تواند جذب مسجد شود و امور آن را بر عهده گیرد. در نتیجه نمی‌توان مدیریت قسمت‌های مختلف مسجد را به فکر نو و جوان داد تا با راه‌حل‌های مناسب، موانع جذب جوانان به مسجد را بشناسد و آنها را به این مکان مقدس جذب کند. در ادامه به دنبال ارائۀ راه‌کارهای عملی برای پر کردن این خلأ خواهیم بود.

> خادم‌یاران با کسب تجربه از امام جماعت، امنا و خادمان و تلفیق آن با ایده‌ها و افکار نو، می‌توانند پس از مدتی امور مسجد را بر عهده گرفته و خادم مسجد شوند

امام جماعت جوان و مستعد

جوانی و آگاه بودن امام جماعت از مسائل روز، می‌تواند عامل مهمی برای جذب جوانان تلقی گردد. امام جماعتی که نتواند با جوانان ارتباط برقرار کند و نیازهای آنها از دین را نشناسد، در مسجد موفقیت چشمگیری نخواهد داشت. اگر امام جماعت با تحصیلات و مسائل و فناوری روز آشنا باشد، بهتر می‌تواند دغدغۀ جامعه را بشناسد و در جذب افراد و جوانان موفق عمل کند.

خادم‌یاران نوجوان و جوان

طرح خادم‌یاران نوجوان به این شکل است که نوجوانان و جوانانی که در مسجد حضور فعال دارند و می‌توانند در امور مسجد به خادمان کمک کنند، انتخاب شوند و هر یک یا چند نفر از آنها به خادمان مسجد در امور مختلف مانند چایخانه، آشپزخانه، امور فرهنگی، تزئینات و... کمک کنند. با این طرح هم به خادمان مسجد کمک

می‌کنند و هم از این طریق می‌توانند امور مسجد را خوب فراگرفته، پس از مدتی کسب تجربه، جایگزین خادمان شوند. خادمان هم می‌توانند از نظرات خادم‌یاران استفاده کنند و امور مسجد را با ایده‌های نوین و قابل اجرای این جوانان انجام دهند تا هم از دغدغهٔ جوانان آگاه شوند و هم مسجدی پویا را مدیریت کنند. این خادم‌یاران با کسب تجربه از امام جماعت، امنا و خادمان و تلفیق آن با ایده‌ها و افکار نو، می‌توانند پس از مدتی امور مسجد را برعهده گرفته و خادم مسجد شوند.

هیئت امنای جوان

پیشنهاد می‌شود برای انتخاب هیئت امنای مسجد، از افراد فعال و ترکیبی از افراد مسن و باتجربه و چند جوان خوش‌فکر استفاده شود. می‌توان طی یک‌روال انتخاباتی از اعضای فعال و کسانی که حضور مستمر در مسجد دارند، خواست که کاندید هیئت امنا شده و سپس از حاضرین رأی‌گیری شود و اعضای هیئت امنا انتخاب شوند. این ترکیب جوان و باتجربه می‌تواند در بسیاری از امور مسجد مفید باشد و با حضور جوانان در هیئت امنا، از ایده‌های آنان در ادارهٔ مسجد استفاده شود.

امور فرهنگی مساجد و جوانان

شاید امور فرهنگی مساجد در این برهه که با تهاجم فرهنگی دشمن روبه‌رو هستیم، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های مسجد باشد. دشمن با تکیه بر توان رسانه‌ای خود در این عصر فنّاوری و استفاده از شبکه‌های اجتماعی، سعی می‌کند جوانان را با شبهه‌پراکنی و خبرهای کذب از دین و مسجد دور کند. پس باید فردی امور فرهنگی مسجد را بر عهده بگیرد که هم جوان باشد و هم با افرادی که با این شبهه‌ها و اخبار سر و کار دارند، ارتباط داشته باشد تا بتواند به قول مقام معظم رهبری جواب کار فرهنگی باطل را با کار فرهنگی حق بدهد. فکر و خلاقیت جوان در امور فرهنگی می‌تواند راه‌کار مناسبی برای جذب جوانان به مسجد باشد.

تیم هنری و رسانه‌ای

می‌توان با مشورت هیئت امنا و امام جماعت مسجد، یک گروه هنری و رسانه‌ای از چند جوان مستعد در امور هنری که در رشتهٔ گرافیک و طراحی و دکوراسیون داخلی تخصص دارند و همچنین کارشناسان رسانه‌ای و متخصص در فضای مجازی تشکیل داد. با این کار هم می‌توان فضای مسجد را به خوبی تزئین و سیاه‌پوش کرد و هم اطلاعیه‌ها و تابلوی اعلانات مسجد را با گرافیک مناسب طراحی کرد تا حاضرین در مسجد بتوانند از مطالب تابلوی اعلانات استفاده کنند. همچنین فعالان فضای مجازی نیز می‌توانند فعالیت‌های مسجد را به همراه مطالب مفید و مؤثر فرهنگی مذهبی در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک بگذارند و تا حدودی این فضا را در اختیار بگیرند.

حضور جوانان متعهد و متخصص در هر برهه و هر فضایی دغدغهٔ بزرگان کشور و مخصوصاً مقام معظم رهبری بوده است و ضروری است مسئولین در هر بخشی بتوانند این حضور را درک کرده و مغتنم شمارند◆

> باید فردی امور فرهنگی مسجد را بر عهده بگیرد که هم جوان باشد و هم با افرادی که با این شبهه‌ها و اخبار سر و کار دارند، ارتباط داشته باشد

مدیریت
پیش‌شمارهٔ ۱
تابستان ۱۳۹۹

معجزهٔ شفافیت

راهی مطمئن برای جذب و حفظ نمازگزاران در مسجد

محمد هاشمی

مسجد، از مهم‌ترین نهادهای جامعهٔ اسلامی با کارکردی جامع و چندمنظوره به شمار می‌آید و در طول تاریخ، نقش بنیادین و محوری در شکل‌گیری تمدن اسلامی و پیشرفت جامعه ایفا نموده است. مسجد، نه‌فقط در زمان ما و نه‌فقط در کشور ایران، بلکه در نقاط مختلف عالم در طول تاریخ منشأ آثار بزرگ و نهضت‌ها و حرکت‌های عظیم بوده است.

حال با توجه به اهمیت ذکرشده و نگاه آرمانی و جهانی به مساجد، باید تلاش کرد تا گام‌به‌گام تشکیلات مساجد را به‌عنوان یک سازمان جهت‌دهنده و مؤثر با اصول اولیه و بدیهی موجود در عرصهٔ مدیریت تطبیق داد و این اصول را پیاده کرد تا بر عملکرد و تأثیر آن افزوده شود. در حال حاضر، این وظیفهٔ سنگین و خطیر بر عهدهٔ متولیان اداره‌کنندهٔ مسجد است که خط مقدم این عرصه، امام جماعت و هیئت‌های محترم امنا می‌باشند. اعضای هیئت امنا در ذیل تمهیدات و هماهنگی با امام جماعت و با نگاه تشکیلاتی و سازمانی به آیندهٔ مساجد، باید در تلاش باشند تا این نهاد اثرگذار را با اصول و استانداردهای مدیریتی پذیرفته شده اداره کنند. یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترینِ این اصول، گردش آزاد اطلاعات است که از آن با عنوان «شفاف‌سازی» یاد می‌شود.

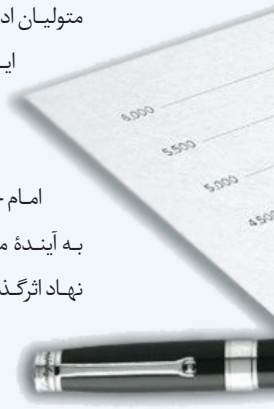

اصل شفاف‌سازی بدین معنا است که مبانی تصمیم‌گیری و ساز و کارهای موجود در یک سازمان، باید به‌صورت کامل روشن باشد. شفافیت، مقوله‌ای است که در جهت تقویت روابط سازمانی یک حرکت، محور بنیادی و اساسی به شمار می‌رود. این گردش آزاد اطلاعات می‌تواند زمینه‌ساز و تقویت‌کنندهٔ دیگر مؤلفه‌های اثربخشی یک مجموعه باشد. اصل شفافیت، موضوعی نیست که به جوامع مدرن امروزی اختصاص داشته باشد؛ بلکه در رویکرد دینی نیز به مفهوم و محتوای شفافیت در عملکرد نهادی و تشکیلاتی اشاره‌شده است. سیره و سنت پیشوایان، مؤید اصل شفافیت و عدم مخفی‌کاری در امور و کارها است. اما امروزه تنها تعریفی که از شفافیت ارائه می‌شود، در کارکرد مالی و ریالی سازمان‌ها است؛ اصل شفافیت، علاوه بر عملکرد مالی، ناظر به شفاف‌سازی در حوزهٔ تصمیم‌گیری نیز هست.

امام جماعت و هیئت امنا، باید با رویکرد شفاف‌سازی برای مساجد تصمیم‌سازی کنند. با توجه به اینکه امروزه مسجد در حوزه‌های متنوع و متفاوت کارکرد دارد، اصل شفاف‌سازی در مسائل مالی، فرهنگی، چشم‌انداز مسجد، رویکرد مساجد در مسائل سیاسی و اجتماعی و تربیتی و تبلیغاتی و... باید مد نظر قرار بگیرد. مجموعهٔ فعالیت‌های امام و هیئت امنا باید با وضوح کامل در برابر چشمان نمازگزاران و مردم باشد و نمازگزاران، تلاش و تغییر در راستای پیشرفت را با تمام وجود لمس کنند. شفافیت، برای امام جماعت و هیئت امنا یک نوع خودکنترلی و دقت در نوع تصمیم‌گیری

> اصل شفافیت، موضوعی نیست که به جوامع مدرن امروزی اختصاص داشته باشد؛ بلکه در رویکرد دینی نیز به مفهوم و محتوای شفافیت در عملکرد نهادی و تشکیلاتی اشاره‌شده است

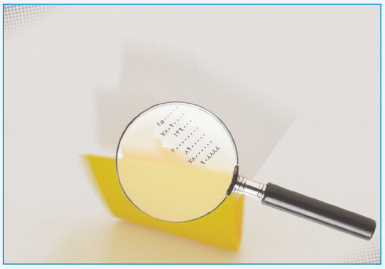

و به نوعی زمینه‌ساز اصل پاسخگویی، و برای نمازگزاران، سبب اعتماد هر چه بیشتر نسبت به نهاد مسجد و متصدیان است و مشارکت مردم را در امور مسجد افزایش می‌دهد. مسجدی که اصل شفاف‌سازی را رعایت می‌کند، در نوع تصمیم‌گیری خود پویاتر و فعال‌تر عمل می‌نماید؛ همهٔ مخاطبین و مراجعه‌کنندگان به مسجد را در نظر می‌گیرد. در ساخت و سازها، مسائل عمرانی و هزینه‌های مالی، در برنامه‌ریزی‌ها و مناسبت‌ها، در انجام فعالیت‌های فرهنگی آموزشی، تربیتی و ورزشی، با تدبیر و دقت بیشتری رفتار خواهد کرد و این نکات، خود زمینه‌ساز مسجد تراز اسلامی است. متولیان مساجد باید توجه داشته باشند به میزانی که از شفافیت در امور مسجد فاصله بگیرند، به همان میزان مسجد را در معرض آفت‌هایی قرار می‌دهند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. احساس بی‌اعتمادی نمازگزاران به متولیان و مسئولین مسجد.

۲. منفعل شدن نمازگزاران و عدم شرکت آنان در برنامه‌های مسجد.

۳. بسته شدن زمینهٔ خیرات و وقف.

۴. بدنام و بی‌اعتبار شدن دیگر مجموعه‌های فرهنگی و دینی.

در رأس تمام آفت‌هایی که در عدم اجرای اصل شفافیت ایجاد خواهد شد، رویکرد منفی نسبت به یک پایگاه دینی است که در اعتقادات مردم اثرگذار است. مهم‌ترین خللی که پنهان‌کاری برای مسجد به دنبال دارد، خالی شدن مسجد از نمازگزار -به‌ویژه جوانان- است. پس با توجه به وضعیت کنونی و هجمهٔ همه‌جانبه نسبت به مساجد، باید با تمام قوا و برنامه‌ریزی کامل و درست در مقابل دشمن برنامه‌ریزی کرد. اصل شفافیت، مخصوصاً برای جوانان، مانند معجزه عمل می‌کند و آنها را با مسجد همراه و هم‌دل می‌نماید.

از جمله فعالیت‌هایی که می‌توان با آن وضوح فعالیت‌های مسجد را نشان داد:

۱. ارائهٔ گزارش‌های دوره‌ای و منظم در مسجد و در بین جوانان و نمازگزاران، توسط یکی از اعضای هیئت امنا.

۲. اعلام فصلی و تبلیغات زودهنگام برنامه‌های مسجد در بین مردم و گروه‌های مختلف.

۳. دعوت از نشریات و رسانه‌های محلی و منطقه‌ای برای اطلاع‌رسانی برنامه‌ها و درج گزارش‌ها و پوشش خبری فعالیت‌های مسجد.

۵. تهیه و توزیع بروشور از چشم‌انداز مسجد و اقدامات صورت‌گرفته در راستای تحقق این چشم‌انداز.

۶. ارائهٔ گزارش مالی و عمرانی به صورت سالانه به نمازگزاران محترم.

امید است تا با اجرایی کردن اصول درست مدیریتی در مساجد در جهت پیشبرد اهداف و تعلیمات اسلامی گام مؤثری در تبلیغ دین‌داری و ترویج حضور در مسجد برداریم◆

> شفافیت، برای هیئت امنا یک نوع خودکنترلی و دقت در نوع تصمیم‌گیری و به نوعی زمینه‌ساز اصل پاسخگویی است

همه‌چیز از یک شوخی آغاز شد

پایهٔ اعتماد را محکم کنید

صدرا حسین‌زاده

سال‌ها پیش، وقتی نوجوان بودم و حضور در مسجد کار همیشگی‌ام بود، یک‌شب هنگام نماز مغرب و عشا، مصطفی زند را دیدم که به صف نماز جماعت ملحق نشد و نماز را به صورت فرادا چسبیده به دیوار مسجد و دور از صفوف نماز، می‌خواند. برایم عجیب بود. همیشه از زبان پدر و حاج‌آقا کاظمی می‌شنیدم که نماز فرادا خواندن در مسجد، نشانهٔ یک رابطهٔ سخت و بی‌اعتمادی میان امام جماعت و مأمومین است. مصطفی هم همیشه از دوستداران حاج‌آقا کاظمی بود و اینکه او از چشم مصطفی تا این حد افتاده بود که حاضر به نماز خواندن پشت سر ایشان نبود، به نظرم یک فاجعه می‌آمد.

راستش نه فقط به اشتباه مصطفی، که به تمام شخصیت و زندگی حاج‌آقا کاظمی هم شک کرده بودم. به صف نماز رسیدم و خواستم قامت ببندم که از تردید چندبار دچار اشتباه شدم و بالأخره توانستم به جماعت برسم و نماز را فرادا نخوانم. یک هفته از ماجرا گذشت و مصطفی نماز را فرادا می‌خواند و بلافاصله پس از نماز از مسجد می‌رفت، اما کاش فاجعهٔ از میان‌رفتن مشروعیت حاج‌آقا کاظمی، فقط برای مصطفی باقی می‌ماند؛ بعد از یک هفته، چندنفری به گوشه کنار مسجد اضافه شده بودند

و مسجد در حال دو تکه شدن بود. فضایی مسموم که داشت معنویت مسجد و حال خوب آن را خنثی می‌کرد.

تردیدهای من و شاید خیلی‌های دیگر در مسجد روزبه‌روز بیشتر می‌شد. مصطفی در مسجد آدم کمی نبود؛ او هم مکبر بود و هم مسئول بسیج! از اخلاق و ادب و اخلاص چیزی کم نداشت. همین شخصیت او بود که مدام ذهن ما را به این مشغول می‌کرد که نکند آقای کاظمی مشکلی دارد که ما بی‌خبریم!

در سکوت و انفعال مصطفی و هیئت امنا و حاج‌آقا کاظمی، زمزمه‌های درون مسجد به قدری بالا رفت که تعدادی از نمازگزاران ثابت را از مسجد دور کرد و رونق مسجد محله تا حدی کم شد. عده‌ای به فکر امام جماعت جایگزین بودند و عده‌ای برای این تغییر به تمام اعضای هیئت امنا نامه زدند که استعفا بدهند. بلبشویی شده بود!

یک روز برای آقاجان ماجرا را گفتم. آقاجان ریش‌سفید محله بود و به خاطر درد پا دیگر به مسجد نمی‌آمد. به توصیهٔ مادر، هوای روح و روانش را داشتیم تا آقاجان که بسیار هم حساس و اهل عمل بود، ناراحت نشود. سال‌ها بود که دیگر مشکلات زن و شوهرهای جوان فامیل و بیکاری و این‌طور مسائل خانواده را به او نمی‌گفتیم تا عصایش را نگیرد و راه نیفتد؛ چرا که نه او حالا توانش را داشت و نه جوان‌ها و آدم‌ها کلاً حرمت ریش‌سفید را داشتند. نمی‌خواستیم آقاجان از تغییر زمانه آزار ببیند.

اما ماجرای مسجد فرق داشت. آقاجان حداقل چهل سال در این مسجد نماز خوانده بود. پدرم با دقت مسئله را گوش داد و از من خواست فردا مصطفی را صدا کنم تا با کمک او، ایشان را به مسجد ببریم. عجیب بود، اما باز حرف آقاجان را گوش کردم و به مصطفی زنگ زدم و خواستهٔ آقاجان را گفتم. او هم آرام و زیر لب گفت: مهدی باز تو گند زدی!

فردا عصر مصطفی به خانهٔ ما آمد و آقاجان را به مسجد بردیم. مصطفی از ترس آقاجان در صف ایستاد اما من را میان خود و آقاجان حائل گذاشت و نمازش را طوری فرادا خواند که فقط من و خدا فهمیدیم.

بعد از نماز، مصطفی قصد خداحافظی داشت که آقاجان دستش را گرفت. تا پایان نماز صبر کرد و حاج‌آقا کاظمی را هم فراخواند و هر دو را به اتاق حاج‌آقا در مسجد برد و من هم که طبعاً در اندازهٔ حضور در آن جلسه نبودم، به خانه بازگشتم. شب، آقاجان به خانه بازگشت. من که جرئت پرسیدن محتوای آن جلسه را نداشتم، داشتم از فضولی می‌ترکیدم که آقاجان گفت: «مهدی آن موضوع حل شد» و دیگر هیچ نگفت!

فردا عصر زودتر به مسجد رفتم و مصطفی را شاد در حال پهن کردن جانماز مسجد دیدم. از او پرسیدم «چی شد مصطفی؟» و او هم ماجرا را مفصل برایم تعریف کرد.

آقای سهرابی از اعضای هیئت امنای مسجد، یک روز در جلسهٔ ماهیانهٔ مسجد به حاج‌آقا کاظمی پیشنهاد خرید تعدادی صندلی مخصوص سالمندان را می‌دهد و حاجی با او شوخی می‌کند که: «آقای سهرابی! از این خرید چیزی گیر شما نمیاد!» آقای سهرابی گمان می‌برد که منظور حاج‌آقا کاظمی پورسانت و پول دلالی است. پس از جلسه به خانه

> اینجا عناوین، سن، کسب‌وکار، تمکن مالی یا منصب اداری و سیاسی افراد تعیین‌کننده نیست. بلکه همگرایی و وقف در انجام فعالیت گروهی می‌تواند به اعتماد بینجامد

می‌رود و چند روزی به مسجد نمی‌آید اما از طریق خادم مسجد متوجه می‌شود که صندلی‌ها توسط خود حاج‌آقا خریداری شده‌اند. آقای سهرابی از آن شوخی برداشت دیگری می‌کند و به دلالی حاج‌آقا از خریدهای مسجد شک می‌کند و یک کلاغ چهل کلاغ حرف‌ها، حاج‌آقا کاظمی و زندگی و شخصیت و حتی پرایدهاچبک فرزند او را وارد ماجرا می‌کند و مصطفی هم که از آن اشراف‌گریزهای افراطی بود، این ماجرا را باور می‌کند و در برابر حاج‌آقا جبهه می‌گیرد.

در آن جلسه، حاج‌آقا به اصل ماجرا پی می‌برد و منظور خود از آن شوخی را تشریح می‌کند که منظورش از به کار نیامدن آن صندلی‌ها، اشاره به جوان بودن آقای سهرابی بوده و... .

خلاصهٔ کلام، بی‌اعتمادی میان آقای سهرابی عضو هیئت امنای مسجد و امام جماعت، کار را به‌جاهای باریکی کشاند که فتنه‌های عجیبی در حال شکل‌گیری بود و با حضور آقاجان رفع‌ورجوع شد.

حالا من چهل‌ساله‌ام و عضو هیئت امنای یک مسجد کوچک؛ درسی که از آن ماجرا گرفته‌ام، به من می‌گوید که رابطهٔ مبتنی بر اعتماد میان امام جماعت و هیئت امنا، هم کار مسجد و امورات نمازگزاران را پیش می‌برد، هم از پیش‌آمد نفاق و دودستگی در مسجد جلوگیری می‌کند؛ اما این اعتماد چگونه شکل می‌گیرد؟

۱ شفاف‌سازی برنامه‌ها و اهداف

حضرت امیر(علیه‌السلام) به فرزندانش و تمامی کسانی که وصیت‌نامهٔ ایشان به آنان می‌رسد، این‌گونه وصیت کرد: «**اوصیکما...بتقوی اللّه و نظم امرکم**»؛[1] شما را به تقوای الهی و نظم و برنامه‌ریزی در کارها سفارش می‌کنم. در مسجد و خانهٔ خدا

هم هیئت امنا و امام جماعت باید برای برنامه‌های کوتاه‌مدت شش‌ماهه و بلندمدت یک‌ساله، در ابتدای هر سال به یک برنامهٔ شفاف مالی و عملی دست یابند و حرکت اعضا و امام جماعت منحصر در آن ریل باشد، چرا که علاوه بر آسیب‌های بی‌نظمی، حرکت انفرادی و غیر منضبط، راه را برای فردگرایی و آسیب‌های احتمالی آن از جمله همین بی‌اعتمادی میان اعضا باز می‌کند.

۲ برقراری جلسات مشترک

هیئت امنا و امام جماعت باید همواره با هم در حال صحبت باشند. قطع گفت‌وگو میان این دو، مساوی است با آغاز ظن و گمان؛ بنابراین، برقراری جلسات مشترک، راه را بر این عوامل مخرب می‌بندد. اینها نیاز به گفت‌وگوی مستقیم برای رفع هرگونه ابهام دارند تا از افتادن در ورطهٔ شایعه و... در امان بمانند.

۳ پرهیز از شخصی‌گرایی

ادارهٔ امورات مسجد به سرپرستی امام جماعت و همکاری هیئت امنا، تنها در قالبی پیش‌رونده خواهد بود که منویات شخصی و اعمال نظرهای فردگرایانه حذف شود. اینجا یک تیم و گروه است که معنا دارد و تمام برنامه‌ها روی اصول کار گروهی پیش می‌رود. اینجا عناوین، سن، کسب‌وکار، تمکن مالی یا منصب اداری و سیاسی افراد تعیین‌کننده نیست. بلکه همگرایی و وقف در انجام فعالیت گروهی می‌تواند به اعتماد بینجامد و اعتماد هم موتور محرک مسجد عاری از شخص‌گرایی است.

۴ اخلاق‌مداری متناسب با فعالیت در مسجد

اعضای هیئت امنا و حتی امام جماعت نباید از این کلام امیرالمؤمنین علیه‌السلام غافل شوند که «**الغیبةُ آیةُ المُنافِقِ**»؛[۲] غیبت کردن، علامت آدم منافق است. نفاق‌افکنی در مسجد، جدای از آثار و پیش‌آمدهایی که ذکر شد، در زندگی فردی انسان نیز آثار سختی در پی خواهد داشت.

۵ مدیریت زبان، رفتار و کردار در هنگام بحران

گهگاه زمزمه‌هایی از اشتباه میان اعضای هیئت امنا و امام جماعت به گوش می‌رسد که هرگونه واکنش به آن، به ریختن هیزم بر آتشی مهیب می‌ماند. لازم است برای کار در مسجد گاهی سکوت کرد و با سکوت، اعتماد ترک‌خورده را ترمیم کرد یا حداقل از گسترش آن بر حذر بود. هر یک از اعضای هیئت امنا در مواقعی که ظن به بی‌اعتمادی می‌رود، می‌توانند با مدیریت صحیح رفتار و واکنش‌ها، مسئله را به نحوی صحیح مدیریت نمایند. نباید فراموش کرد که بیان یک سخن روای نابه‌جا یا ناروای معصیت‌وار، می‌تواند منجر به واکنشی شود که اعتماد میان افراد را از میان ببرد. امام باقر علیه‌السلام فرمودند: بهترین چیزی را که دوست دارید دربارهٔ شما بگویند، دربارهٔ مردم بگویید[۳]◆

> لازم است برای کار در مسجد گاهی سکوت کرد و با سکوت، اعتماد ترک‌خورده را ترمیم کرد یا حداقل از گسترش آن بر حذر بود

پی‌نوشت‌ها:

۱. نهج‌البلاغه: نامه ۴۷.

۲. میزان‌الحکمه: ج ۳۳۳/۷.

۳. بحارالأنوار: ج ۱۵۲/۶۵.

نشانی از مریم

بهره‌مندی از توانمندی‌های بانوان مسجدی در مدیریت مسجد

فاطمه دولتی

کتاب آسمانی ما و روایات ائمه علیهم‌السلام را که ورق بزنید، می‌بینید که اسلام در انجام احکام عبادی و حضور و نقش آفرینی در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، میان زنان و مردان تفاوتی قائل نشده است. بر اساس مبانی دینی، تنها معیار برای رسیدن به سعادت و کمال، ایمان و عمل صالح معرفی شده است.

بررسی‌ها نشان داده است که گرایش زنان به معنویت، بیشتر و میل به عبادت در آنان بالاتر است. حال با توجه به این ویژگی و با در نظر گرفتن جزئی‌نگر بودن، دقت و قدرت نفوذ کلام خانم‌ها، هیئت امنای مساجد می‌توانند با واگذاری مسئولیت‌های مختلف، از حضور بانوان در مساجد بهره ببرند.

> اسلام در انجام احکام عبادی و حضور و نقش آفرینی در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، میان زنان و مردان تفاوتی قائل نشده است

مدیریت قسمت بانوان با خانم‌ها باشد

با کمی بررسی و پرس‌وجو به راحتی می‌توانید چندنفر از بانوان مسجدی که روحیهٔ انقلابی دارند و از توان مدیریتی بالایی برخوردارند را شناسایی کنید. طی جلسه‌ای از این خانم‌ها بخواهید تا مسئولیت قسمت زنانهٔ مسجد را برعهده بگیرند؛ به این معنا که بانوان مسجدی با آنها در ارتباط باشند. با این کار،

سایر خانم‌هایی که به مسجد می‌آیند، پیشنهادات و انتقادات خود را برای بهتر شدن فعالیت‌های مسجد با آنها در میان می‌گذارند و از این طریق، شما می‌توانید بهتر و بیشتر از نظرات بانوان آگاه شوید و دغدغه‌های ایشان را بشناسید. تخصیص یک اتاق به بانوانی که در جایگاه نایب هئیت امنای مسجد هستند، به رسمی‌تر شدن این اقدام، کمک می‌کند.

آشپزخانهٔ مسجد را به خانم‌ها بسپارید

بسیاری از زنان ایرانی، هر ظهر و شام در آشپزخانهٔ منزلشان با عشق و محبّت برای اهل خانه غذا می‌پزند. حال اگر هیئت امنا توسط نایبان خود، بانوانی که دستپخت قابل قبول و علاقه به آشپزی دارند را شناسایی کند، می‌تواند برای پخت غذا در ایام محرم یا طبخ افطاری ساده در ماه رمضان از آنها کمک بگیرد.

ظرافت، دقت، میل به صرفه‌جویی، توجه به سلامت غذا و خلاقیت بانوان در طبخ، می‌تواند آثار مثبتی مانند کاهش هزینه‌ها، افزایش کیفیت غذا، ایجاد تنوع در برنامهٔ غذایی و پویایی بانوان در مسجد را به دنبال داشته باشد.

اگر تمامی مسئولیت آشپزخانه را به بانوان بسپارید، امکان اینکه ظروف یک‌بارمصرف از مسجد جمع شود و ظروف ملامین یا استیل جایگزین شود، کم نیست.

البته وجود یک آشپزخانهٔ مستقل که در معرض دید نامحرم نباشد و وجود امکانات کافی، ضروری است.

زنان باسلیقه، رُفت‌وروب مسجد را برعهده می‌گیرند

زنان همیشه میل به پویایی دارند؛ میل به اینکه مفید باشند و گره از کار دیگران باز کنند. در کنار این،

خانم‌ها همواره از به‌هم‌ریختگی در مساجد، وجود گرد و غبار یا شلختگی‌ها رنج می‌برند.

حال اگر شما مسئولیت رفت‌وروب مسجد را در ایام خاص به خانم‌ها بسپارید، مطمئن خواهید بود که آنها با کمال میل و با تمام تلاش خانهٔ خدا را نظافت می‌کنند.

خوش‌سلیقگی خانم‌ها در این موضوع بسیار اهمیت دارد. آنها با نگاه ظریف خود به سراغ تزئین و آراستن مسجد هم خواهند رفت؛ دوختن پرده برای مسجد، شستن فرش‌ها و موکت‌هایی که مدت‌ها است در انتظار شستوشو هستند، رسیدگی به گلدان‌های مسجد، نظافت سرویس‌های بهداشتی به بهترین نحو و... مطمئناً جزء برنامه‌های خانم‌ها خواهد بود.

برگزاری برنامه‌های قرآنی و فرهنگی با مدیریت بانوان

زنان نیازها و محدودیت‌هایی دارند که شاید آقایان هیئت امنا از آن باخبر نباشند. اگر مدیریت برنامه‌های قرآنی و فرهنگی مسجد به زنان سپرده شود، بسیاری از مسائل حل خواهد شد. به طور مثال، دختران در سنی نیاز به آموزش دارند، یعنی باید با سبک زندگی اسلامی آشنا شوند، اصول تغذیه و نظافت در بلوغ را بدانند، از نقش مادری و همسری و حقوق خود در خانواده و اجتماع آگاه شوند و... . اگر شما مدیریت این برنامه‌ها را به بانوان بسپارید، با توجه به نیاز خود، حلقه‌های آموزشی و فرهنگی تشکیل خواهند داد و بدون شک از ظرفیت بانوان مسجد استفاده خواهد شد. مثلاً برای جزءخوانی ماه رمضان، بانوانی که مسلط هستند کار را دست می‌گیرند، یا برای آموزش احکام و موضوعات دیگر، خود زنان وارد میدان می‌شوند؛ همیشه تعدادی بانوی تحصیل کرده یا با مهارت در محله پیدا می‌شود.

نکتهٔ طلایی

زنان همواره نقش تربیتی دارند و کار، استراحت، پوشش و نوع گفتارشان در چگونگی رفتار و گفتار نسل دیگر تأثیر خواهد گذاشت. در کنار این، آسیب‌های اجتماعی و انحرافاتی نظیر بدحجابی، اشتغال در محیط‌های کاری نامناسب و... در کمین بانوان است. با دادن مسئولیت به بانوان در خانهٔ خدا، می‌توانیم هم به تربیت اسلامی نسل بعد و جهت‌دهی خانواده‌ها به مسجد کمک کنیم، هم در مقابل آسیب‌های اجتماعی زنانه بایستیم◆

> با دادن مسئولیت به بانوان در خانهٔ خدا، می‌توانیم هم به تربیت اسلامی نسل بعد و جهت‌دهی خانواده‌ها به مسجد کمک کنیم، هم در مقابل آسیب‌های اجتماعی زنانه بایستیم

تبیین گفتمان اسلامی به عهدهٔ کدام رسانه

هادی عجمی

پلان یکم

بررسی آخرین گزارش مالی شبکهٔ من و تو نشان می‌دهد که هزینه‌های این شرکت در سال مالی اخیر، تقریباً ۲۰ برابر و در سال قبل، ۱۹ برابر درآمد آن بوده است. مجموع هزینه‌های عملیاتی شرکت در طی سه سال مالی از مرز ۵۳ میلیون پوند گذشته است؛ حال آنکه مجموع درآمدهای سه سال گذشتهٔ آن به زحمت به ۲.۵ میلیون پوند می‌رسد![1]

چنین گزارش‌هایی از هزینه‌کرد بسیارِ جادوگران رسانه‌ای برای جذب مخاطب بدون نگاه اقتصادی و بازگشت اصل سرمایه، بسیارند! این هزینه‌های هنگفت، تنها یک علت می‌تواند داشته باشد: سیطرهٔ گفتمانی بر جهان! با توجه با اینکه امروزه رسانه‌های دیجیتال و مدرن، مؤثرترین ابزار انتقال مفاهیم شده و از سویی با توجه به قدرت جادویی رسانه و هنر، شکی در انجام این هزینه‌ها با هدف سیطرهٔ گفتمانی باقی نمی‌ماند.

پروندهٔ ویژه

مسجد و جامعهٔ پیشرو

حسام‌الدین حائری‌زاده
مسجد تراز در گام دوم انقلاب
صفحهٔ ٤٤

میثم لطیفی
گریز از نمازخانه با مرکب سیاست
صفحهٔ ٤٨

مهدی رزاقی طالقانی
نمازخانه یا مسجد؟
صفحهٔ ٥٤

ـــــــــلامی-انقلابی
ـــــــــانه است؟

پلان دوم

مرکز تبیین نظام گفتمانی اسلام کجا است؟ رسانه‌های دیجیتال امروزی محیطی مناسب است؟ و مهم‌تر اینکه آیا اسلام راهکار رسانه‌ای دارد؟

پرسشی دیگر؛ حال که رسانه‌های دیجیتال مهم‌ترین ابزار ارتباطی شده‌اند، آیا اگر امروز پیامبری از سوی خداوند می‌آمد، اهل رسانه بود، در رسانه ظهور می‌کرد و معجزهٔ رسانه‌ای داشت؟

فلش بک

ابزار انتقال و تبیین کننده، باید با مفاهیمی که انتقال داده می‌شود، تناسب داشته باشد. اگر قرار است شهوات، خشونت و قدرت‌های دروغین نشان داده شود، راهی جز فیلم و بستری بهتر از رسانه و فضای مجازی نیست؛ قرار نیست واقعیتی دیده شود، بلکه تصویری دروغین به جای واقعیت باید ساخته و منتقل شود. استاد این طرح‌دستی، فیلم و چند رسانه‌ای‌ها هستند و جایی بهتر از فضای مجازی برای القای دروغ‌ها نیست.

اما اگر محور گفتمانی بندگی خداوند، تقوا و عمل صالح است، بستر و انتقال دهندهٔ متناسب با این محتوا، چیست؟

اولین اقدام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بعد از هجرت به مدینه و شکل‌گیری حاکمیت ظاهری ایشان، اقامهٔ نماز بوده است. آن حضرت پس از خواندن نماز جمعه در روز ورود به مدینه، در قُبا ماندند تا حضرت علی علیه‌السلام و همراهانشان بیایند و از روز شنبه به ساخت مسجد مشغول شدند و در چند روز مسجد قبا را بنا کردند.[۲] هنگامی که به مدینه وارد شدند نیز اولین اقدام اجتماعی ایشان، ساخت مسجد مدینه بود.

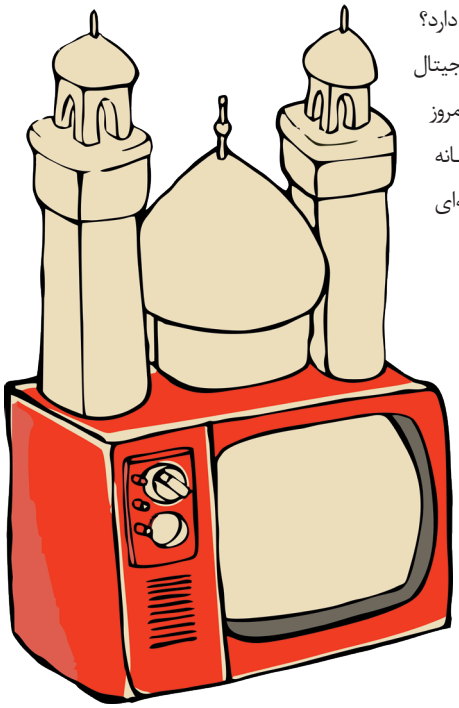

> ابزار انتقال و تبیین‌کننده، باید با مفاهیمی که انتقال داده می‌شود، تناسب داشته باشد

پیامبر ﷺ آمده تا پیام دهد؛ پس اولین کار او در جایی که آمده است تا گفتمان‌سازی کند، ساخت پیام‌رسان و محلی مناسب برای انتقال پیام‌های گفتمانی خویش است. رسانه‌وارۀ تصویری او نماز (رفتاری مناسکی) و مکان رسانه‌ای او مسجد است. کم‌کم صدای اذان برای مردم رمزی رسانه‌ای برای اجتماع می‌شود و بعد از مدتی، حج، رسانۀ اجتماع‌ساز او می‌گردد. معجزۀ او هم رساننده‌ای چند قالبی در قالب‌های نثر و داستان و بیان، رسانندۀ سخن خدا به مردم است. این‌گونه است که در تناسبی زیبا، محتوای توحید را در فضایی توحیدی، با ابزاری توحیدی انتقال می‌دهد. بنابراین، مسجد پایگاه رسانه‌ای برای انتقال و تبیین نظام گفتمانی است.

هدف این نوشته، بی‌اهمیت دانستن حضور گفتمانی در رسانه‌های مدرن -که خود رسالتی دیگر است- نیست؛ بلکه سخن از رسانۀ برگزیدۀ خداوند و پیامبر ﷺ است. مسجد و رسانه‌های بومی-اسلامی بیان شده، همان گمشدۀ دستگاه‌های فرهنگی ما هستند. متأسفانه امروزه بهترین یار رسانه‌ای رها شده و تمرکز بر استفاده از رسانه‌هایی قرار گرفته که حضورشان خالی از آسیب هم نبوده است.

امام رضا علیه‌السلام در تبیین جایگاه نماز جماعت و مسجد، در انتقال مبانی و گفتمان اسلام می‌فرمایند:

«اگر پرسیده شود دلیل تشریع جماعت چیست؟ در پاسخ باید گفت که نماز جماعت به این دلیل تشریع شده است که اخلاص، توحید، اسلام و عبادت خداوند آشکار شود؛ زیرا آشکار کردن عبادت، حجت و دلیل برای اهل شرق و غرب است. منافقین و کسانی که آیین‌های اسلامی را سبک می‌شمارند، با برگزاری جماعت، به ظاهر اسلام اعتراف خواهند کرد و مراقب خودشان خواهند بود».[۳]

ایشان کارکرد جماعت را تبیین گفتمانی، و هدف و مطلوب خداوند را تبیین و ارسال پیام توحید و بندگی به دیگران می‌دانند. حضرت علیه‌السلام دو گروه مهم را مخاطب این پیام تصویری می‌دانند: کفار (اهل شرق و غرب است) و منافقین و کسانی که آیین‌های اسلامی را سبک می‌شمارند. پیام‌های

> رسانه‌وارۀ تصویری پیامبر، نماز (رفتاری مناسکی) و مکان رسانه‌ای او مسجد است. کم‌کم صدای اذان برای مردم رمزی رسانه‌ای برای اجتماع می‌شود و بعد از مدتی، حج، رسانۀ اجتماع‌ساز او می‌گردد

محوری این جماعت را نیز اخلاص، توحید، اسلام و عبادت خداوند بیان می‌کنند و هدف از برگزاری چنین اجتماعی را سه مهمِ آشکار و مشهود ساختن گفتمان اسلام، اتمام حجت با کافران و اعتراف گرفتن و ساکت کردن منافقان می‌دانند.

پلان آخر

باید میان رسانه و مرکز تبیین کنندهٔ هر گفتمان با محتوای آن گفتمان، تناسب باشد. مسجد و اجتماع مردم حول ارتباط با خداوند، باید مقر اصلی تبیین گفتمان اسلامی باشد.

گفتمانی که از مساجد بلند می‌گردد، باید به گونه‌ای باشد که برای کفارِ اهل شرق و غرب تبیین کننده باشد. در نتیجه، لازم است گفتمان به آنها برسد. وظیفهٔ رساندن این پیام‌ها و تصاویر بر عهدهٔ دیگر رسانه‌ها است. اجتماع مؤمنین و گفتمان بیان شده باید به گونه‌ای باشد که بازدارندهٔ منافقان از اعمال خرابکارانه باشد.

رسالت رساندن مساجد به این تراز، بر عهدهٔ مؤمنانی است که مجاهدانه به آبادانی رسانه‌ای مساجد همت گماشته‌اند؛ «**إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ**»؛[4] فقط کسانی که علاوه بر ایمان به خدا و قیامت و برپایی نماز و زکات، نترس باشند، مساجد خدا را آباد می‌کنند.

بروز کامل این مرکزیت مسجد و نماز در تبیین گفتمان اسلامی، در قیام حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نمایان می‌گردد. ایشان نه‌تنها حرکت خود را از خانهٔ خدا (مسجدالحرام) آغاز و جهانی می‌کنند، بلکه حکومت جهانی خویش را به محوریت مسجد کوفه اقامه می‌کنند. مرکز قضاوت ایشان مسجد کوفه، مرکز بیت المال و محل تقسیم غنایم مسلمانان، مسجد سهله و محل خلوت و مناجات‌های ایشان نیز تپه‌های سپید و نورانی نجف اشرف است.[5]

هرچند انقلاب اسلامی ایران در ابتدا از جایگاه مسجد و جماعت برای تبیین گفتمان خود بهترین بهره را برد، اما با توجه به اینکه هم‌عرض‌هایی نیز برای کارکردهای اجتماعی و گفتمانی مساجد به‌وجود آمدند- می‌توانست موفقیت بیشتری در ادامهٔ این وظیفهٔ رسانه‌ای داشته باشد. از سویی رسانه‌های غرب‌ساخته چنان از برخی مسئولان دل‌ربایی کرده است که محور و قرارگاه تبیین گفتمانی و فرهنگی-اجتماعی را آنجا تصور کرده‌اند؛ درحالی که محوریت باید با مساجد و اجتماع حزب‌الله باشد و رسانه‌های مدرن، کمک‌کنندهٔ این محور و خیمه هستند[6]◆

پی‌نوشت‌ها:

۱. سایت خبری تحلیلی بولتن: «هزینه‌های ماهانهٔ شبکهٔ من و تو چقدر است؟»

۲. «درسنامهٔ عمومی معارف نماز»، ستاد اقامهٔ نماز، ص ۲۱.

۳. علل‌الشرایع: ج ۲۶۲/۱: امام رضا علیه‌السلام: «قَالَ فَلِمَ جُعِلَتِ الْجَمَاعَةُ قِيلَ لِأَنْ لَا يكُونَ الْإِخْلَاصُ وَ التَّوْحِيدُ وَ الْإِسْلَامُ وَ الْعِبَادَةُ لِلَّهِ لا إِلَّا ظَاهِراً مَكْشُوفاً مَشْهُوداً لِأَنَّ فِي إِظْهَارِهِ حُجَّةً عَلَى أَهْلِ الشَّرْقِ وَ الْغَرْبِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَحْدَهُ وَ لِيكُونَ الْمُنَافِقُ وَ الْمُسْتَخِفُّ مُؤَدِّياً لِمَا أَقَرَّ بِهِ بِظَاهِرِ الْإِسْلَامِ وَ الْمُرَاقَبَةِ».

۴. توبه(۹): ۱۸.

۵. بحارالأنوار: ج ۱۱/۵۳.

۶. ر.ک. فروهر، سخاوتیان: «عجمی، نماز، رسانه و فضای مجازی»، انتشارات ستاد اقامهٔ نماز، ۱۳۹۶.

گفتمانی که از مساجد بلند می‌گردد، باید به گونه‌ای باشد که برای کفارِ اهل شرق و غرب تبیین کننده باشد. در نتیجه، لازم است گفتمان به آنها برسد

ابعاد اساسی مسجد تراز در گام دوم انقلاب

بر پایهٔ دیدگاه امامین انقلاب و تجربهٔ انقلاب اسلامی

حسام‌الدین حائری‌زاده
عضو هیئت علمی مرکز بررسی‌های دکترینال - اندیشکدهٔ یقین

جمهوری اسلامی ایران، اکنون به عنوان جامعه‌ای الگو در سطح جهان و به ویژه جهان اسلام مطرح شده است. یکی از نهادهای اصلی اجتماعی جامعهٔ اسلامی، مسجد است. الگوی مسجد تراز انقلاب اسلامی در گام دوم انقلاب یکی از اجزای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است که تبیین و معرفی آن ضروری است. تجربهٔ انقلاب اسلامی در این زمینه بسیار مهم و قابل توجه است. از سوی دیگر، نظرات گران‌بها و دقیق و حکمی امامین انقلاب در نسبت با تجربهٔ انقلاب اسلامی، می‌تواند ابعاد اساسی مسجد تراز در گام دوم انقلاب را شناسایی کند.

جامعهٔ مدنی یا جامعهٔ هجری

انقلاب اسلامی ایران وارد گام دوم خود شده است. گام نخست، فرصتی برای سعی، خطا و تجربه‌اندوزی بود، اما گام دوم را باید با بهره‌گیری از تجارب گذشته و مبتنی بر طرح‌ریزی‌های آگاهانه جلو برد. یکی از اهداف طرح جامع انقلاب اسلامی در گام دوم، تکامل پروژهٔ «نظام‌سازی» است که بارها مورد تأکید رهبر معظم انقلاب بوده است. نظام‌سازی در هم‌پیوندی با دولت‌سازی و ملت‌سازی، پروژهٔ کلی‌تر جامعه‌سازی را رقم می‌زند. در تمدن غرب، این ساختاربندی به مدل نهایی «جامعهٔ مدنی» رسیده است. در این الگو، توسعهٔ جامعه در گرو توسعهٔ هرچه بیشتر بخش خصوصی و بخش عمومی است. در این راستا سازمان‌های غیردولتی متولی پیشبرد اهداف توسعهٔ اجتماعی مزبور هستند. خاستگاه طرح موضوع سازمان‌های غیردولتی، ضرورت محدود کردن نقش

دولت و تخصصی‌سازی نهادهای بخش عمومی در روند تمدن‌سازی مدرن بوده است. در چند دهۀ اخیر، روند دموکراسی‌سازی در ایران این نوع از سازمان‌ها را هر چه بیشتر ترویج داده است.

در مقابل، یکی از ابعاد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، «پیشرفت اجتماعی» است. اگر در مدل «توسعۀ اجتماعی» در چارچوب جامعۀ مدنی، تکثیر و ترویج ان‌جی‌اوها پیشنهاد شده است، در چارچوب جامعۀ هجری برای «پیشرفت اجتماعی» چه نهادی پیشنهاد می‌شود؟ با بررسی تاریخی این مسئله در الگوی جامعه‌سازی نبوی، نهاد مسجد خود را معرفی می‌کند.[1] رسول اکرم ﷺ کانون ادارۀ جامعه را در مسجد تعریف کرد؛ چرا که مسجد محل گردهم‌آیی مؤمنین در جامعه تعریف شده است. اگر غایت جامعۀ دینی در تحقق جامعۀ هجری، هجرت دادن مردم از سیئات و محرمات به حیات طیبه است و این امر بر پایۀ ایمان شکل می‌گیرد و لازمۀ آن هم جهاد به صورت عمومی است، این همه با محوریت مسجد قابل تحقق است. امام خمینی قدس‌سره فرمود: مسجد سنگر است.[2] اگر مسجد در جهاد اصغر کانون سامان‌دهی نیروهای دفاعی و امنیتی در طول انقلاب و دفاع مقدس بوده است، در جهاد اکبر، «محراب» مبارزه با شیطان و هوای نفس است. قرآن کریم فرموده است کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده‌اند و جهاد انجام داده‌اند، ایشان فائز بوده و به فوز و هدف نهایی رسیده‌اند.[3] مسجد، نهادی است برای گردهم‌آیی عینی و جمعی سه مؤلفۀ ایمان، هجرت و جهاد. «مسجد تراز» در گام دوم انقلاب، باید بتواند این سه مؤلفه را در خود جمع کند. این سه مؤلفه در وجود هر فرد شکل می‌گیرد؛ و در بستر خدمت‌رسانی ضمن بروز و ظهور خصلت‌های درونی مومنان، از چهره کل جامعه اسلامی محرومیت‌زدایی نموده و به گسترش عدالت اجتماعی کمک می‌کند.

مسجد؛ کانون ایمان

مسجد، «مرکز اشاعۀ ایمان» در حکومت دینی است. ایمان هفت متعلق دارد: ایمان به خدا، ایمان به غیب، ایمان به ملائکه، ایمان به انبیا، ایمان به کتاب، ایمان به آخرت، ایمان به آیه‌های الهی. مسجد در کارکرد معرفتی خود باید کانون تعمیق و گسترش متعلقات ایمان در محیط پیرامون خود باشد. روح حاکم بر ایمان الهی، توحید است. توحید یعنی نفی شرک و برتافتن عبودیت الله: لا إله إلا الله.[4] مسجد، کانون توحید و ترویج و تعمیق آن است. بنابراین، مبارزه با شرک و نفاق و تبیین حق و اقامۀ قسط، کارکرد ذاتی مسجد است. این گونه به تعبیر امام خمینی، مسجد سنگر می‌شود. مسجد محل حرب با شرک و نفاق است. در گام دوم انقلاب، مسجد به عنوان مرکز اشاعۀ ایمان و تعمیق توحید، سنگر مبارزه با شرک و نفاق و تبیین حق و اقامۀ قسط باید باشد. گسترش و تعمیق مبارزۀ سیاسی و طرح‌های بصیرتی، روشنگری و مدیریت فتنه‌ها در بهینه‌سازی کارکردهای مسجد تراز در گام دوم انقلاب، مطلوب نظر است هم‌چنان که در تجربۀ انقلاب اسلامی این امر خود را نمایان کرد؛ مطهری‌ها، خامنه‌ای‌ها، طالقانی‌ها، اشرفی اصفهانی‌ها، صدوقی‌ها، و... در همین مساجد تهران و شهرستان‌ها، مسجد هدایت‌ها، مسجد سید عزیزالله‌ها، مسجد فخرها، مسجد حظیره‌ها و... پایگاه بصیرت‌بخشی و روشنگری و فعالیت

> رسول اکرم ﷺ کانون ادارۀ جامعه را در مسجد تعریف کرد؛ چرا که مسجد محل گردهم‌آیی مؤمنین در جامعه تعریف شده است

مسجد هدایت، تهران

مسجد فخرالدوله، تهران

مبارزاتـی داشـتند. عـلاوه بـر ایـن، مبـارزهٔ علمـی و معرفتی در قالب شـکل‌گیری هیئت‌های اندیشـه‌ورز -بـه تعبیـر امـام خامنـه‌ای[۵]- نیـز بـرای عمق‌بخشـی معرفـت توحیدی و استشـاره به دسـتگاه‌های محلی و ملـی از کارکردهـای اصولـی مسـجد تـراز در گام دوم انقـلاب باید باشـد.

مسجد؛ کانون هجرت

اگـر ایمـان به هجـرت نیانجامد، مسـتقر نشـده و زائـل می‌شـود. ایمـان در وهلـهٔ نخسـتِ ورود بـه قلـب، «ایمـان مسـتودع» اسـت، اگـر بـا هجـرت تثبیـت نشـود، نـور آن از قلـب مـی‌رود و بـه «ایمـان مسـتقر» تبدیـل نمی‌شـود. چـه بسـا افـرادی کـه در تاریـخ اسـلام، ایمـان آوردنـد، امـا نتوانسـتند از تعلقـات خـود بگذرنـد و در دنیـا گرفتـار ماندنـد و همـان ایمـان اولیـه هـم از دسـت رفـت. مسـجد، کانـون هجـرت و کنـده شـدن از تعلقـات اسـت. خانـهٔ خـدا خوانـده شـدن مسـجد و تأکیـد ویـژه بر مناسـکی چـون اعتـکاف در مسـجد، از ایـن جهت ارزیابی می‌شـود. احیای سـنت اعتکاف و بازتعریف آن در تجربـهٔ انقـلاب اسـلامی در قالـب معنویـت جمعـی صـورت گرفتـه اسـت و امتـداد و تعمیق آن در گام دوم، مـورد انتظـار اسـت. برگـزاری اردوهـای جهـادی و انجـام خدمـات عمومـی در مسـجد، مؤمنیـن را از نقش‌هـای متعـارف خـود کنـده و اخـلاص آنهـا را محـک می‌زنـد. هماوردی‌هایـی این‌چنیـن، گسـترش دهنـدهٔ هر چه بیشـتر مؤلفهٔ هجـرت اسـت.

مسجد؛ کانون جهاد

مسجد بر محوریت فرع نخست دین اسلام یعنی نماز شـکل گرفته و عـزاداری و روضه‌خوانی بـرای امام حسـین علیه‌السلام نیـز بـر محـور دو فـرع دیگـر دین اسـلام یعنـی تولـی و تبـری اسـت. منطـق توحیـدیِ حاکـم بـر ایـن دو در نفی باطل، شـرک، ظلـم، ذلـت و... و در مقابـل، اقامـهٔ حـق، توحیـد، قسـط، عـزت، و...، این دو نهـاد را بـر هم منطبق می‌کنـد. در عمل نیز تجربهٔ انقلاب اسـلامی نشـان داد که هیئت و مسـجد با هم قابل جمع هسـتند. به ویـژه پس از انقلاب اسـلامی، دو نهـاد هیئـت و مسـجد در طـول دفـاع مقـدس و تحـولات انقلاب، غنی‌سـازی شـده و از دل آنها پدیدهٔ بسیج بیرون آمد و سرمایهٔ اجتماعی انقلاب را تعمیق بخشـید. بسـیجی‌ها عمدتـاً همـان مسـجدی‌ها و هیئتی‌هایـی بودنـد که پایـگاه اجتماعی آنـان در این

> در گام دوم انقلاب، مسجد به عنوان مرکز اشاعهٔ ایمان و تعمیق توحید، سنگر مبارزه با شرک و نفاق و تبیین حق و اقامهٔ قسط باید باشد

مسجد حظیره، یزد

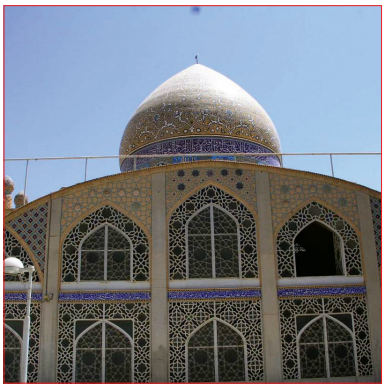

مسجد سیدعزیزالله، تهران

دو نهاد پرسابقه بود و اکنون با کارویژهٔ جدیدی در حوزهٔ دفاعی و نظامی مواجه شده بودند. در واقع، اگر مسجد بر اساس فرع نخست اسلام و هیئت بر اساس فرع تولی و تبری استوار است، بسیج با خاستگاه اصلی دفاع مقدس، بر اساس فرع دیگر اسلام یعنی جهاد استوار شده است.

مسجد؛ کانون خدمت

پس از دفاع مقدس هر چه مسیر انقلاب پیش رفت، مسجد کارویژه‌های دیگری را هم بر عهده گرفت. در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، علمی و... متولی فروعات دیگر دین‌داری یعنی امربه‌معروف و نهی از منکر همچنین دریافت و توزیع خمس و زکات هم شد.

در سال‌های اخیر و به‌واسطه اتفاقات گوناگون طبیعی و بعضاً مشکلات ساخته‌شده توسط انسان، عرصه‌های گوناگونی برای خدمت‌رسانی به مردم شکل گرفت.

حالا دیگر از تأسیس مؤسسات قرض‌الحسنه و اعطای وام بدون بهره به نیازمندان هر محله تا مشارکت در ساخت مناطق آسیب‌دیده از بلایای طبیعی و همدلی در تأمین مواد غذایی برای اقشار کمتر برخوردار، همه و همه در مسجد رخ می‌دهد و به گسترش بنیادی‌ترین اصل انقلاب یعنی عدالت اجتماعی کمک می‌کند.

مثلث مسجد-هیئت-بسیج، اگر حول محور هیئت اندیشه‌ورز باشند، می‌توانند چارچوب پخته‌تری را در نهادسازی سه مؤلفهٔ ایمان، هجرت و جهاد پیش بگیرند و با کسب اعتماد حداکثری به‌وسیله خدمت صادقانه، نظام‌سازی جامعهٔ اسلامی را در گام دوم انقلاب پیش برانند◆

پی‌نوشت‌ها:

۱. ر.ک. جایگاه مسجد از منظر امام خمینی قدس‌سره، پرتال امام خمینی، ۱۳۹۸/۵/۳۰.

۲. صحیفهٔ امام خمینی: ج ۳۹۳/۱۲: «اینها از مسجد می ترسند، من تکلیفم را باید ادا کنم به شما بگویم، شما دانشگاهی‌ها شما دانشجوها، همه‌تان مساجد را بروید پر کنید، سنگر هست اینجا، سنگرها را باید پر کرد.»

۳. توبه(۹): ۲۰.

۴. خامنه‌ای، سیدعلی: «مجموعه‌مقالات دیدگاه توحیدی؛ روح توحید نفی عبودیت غیرخدا»، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۵. بیانات در جمع بسیجیان: ۱۳۹۵/۰۹/۰۳.

احیای سنت اعتکاف و بازتعریف آن در تجربهٔ انقلاب اسلامی در قالب معنویت جمعی صورت گرفته است و امتداد و تعمیق آن در گام دوم، مورد انتظار است

گریز از نمازخانه با مرکب سیاست

گفت‌وگو با دکتر میثم لطیفی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) بخش اول

کیا فخر

مساجد پیشرو یا مساجد تراز؟ فرقی نمی‌کند! آنچه برای جامعهٔ اسلامی مهم است، حضور مسجد در بطن مدیریت وقایع اجتماعی است. برای چنین ایفای نقشی تمام ارکان مسجد از امام جماعت و هیئت امنا و حتی آنها که اهل حضور منظم در مسجد نیستند هم باید پای کار بیایند. شاید خیلی‌ها ندانند که از برکت مسجد پیشرو، همه سود می‌برند؛ همهٔ افراد جامعه!

دکتر میثم لطیفی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) و رئیس دانشکدهٔ «معارف اسلامی و مدیریت» است که دربارهٔ مسائل مدیریتی مساجد نیز تجربهٔ قابل توجهی دارد. با او دربارهٔ مسجد تراز به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

> مسجدی تراز است که مبتنی بر سیرهٔ اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و به طور خاص در سیرهٔ پیامبر و حضرت علی باشد

محراب: مسجد پیشرو چه مسجدی است و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در آن چگونه انجام می‌شود؟

به نظر من در این زمینه باید از واژهٔ «تراز» استفاده کنیم نه «پیشرو»؛ مسجد تراز بعد از سال‌ها در جامعهٔ ما تعریف شده است؛ مسجدی تراز است که مبتنی بر سیرهٔ اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و به طور خاص در سیرهٔ پیامبر و حضرت علی باشد.

مسجد تراز مختصات و کارکردهایی دارد که اولینِ آن، دایر بودن است. مسجدی تراز است که در عرصه‌های متعدد ورود دارد و فقط خود را وقف یک عرصه نکرده است. گاهی ما مسجد را به یک

نمازخانه تقلیل می‌دهیم و از آن به‌سان یک معبد بهره می‌بریم! مثل اتفاقاتی که برای ادیان دیگر افتاده است؛ مساجد تبدیل به معبد شده‌اند و کار همان معبد هم به جایی رسیده که از یک فعالیت دائمی به فعالیت هفته‌ای یک‌بار رسیده و افراد آن هم نه با یکدیگر در تعامل‌اند و نه حتی با یکدیگر ارتباط دارند.

ریشه‌های سکولاریسم از همین نقطه پا گرفته‌اند؛ نقطه‌ای که جدایی دین از سیاست نمود عینی گرفته و نهادی که باید متولی امر سیاست در جامعه باشد، نسبت به آن بی‌توجه و بی‌تفاوت است.

سیاست مورد نظر شما چه تعریفی دارد؟

سیاست، یعنی تدبیر امور؛ چه امر اجتماعی، چه امر فرهنگی، چه امر اقتصادی، چه امر امنیتی، چه امر نظامی، چه امر تعلیم و تربیت. و همهٔ اینها نیازمند سیاست به معنای تدبیر کردن هستند. وقتی مسجدی سیاسی است، یعنی فراتر از امور دینی و معنوی هم حرف، تدبیر، دغدغه و موضع دارد و برنامه‌ریزی و سازماندهی و نظارت هم می‌تواند داشته باشد. بنابراین مداخله می‌کند.

زمانی که مسئله‌ای در امت پیغمبر پیش می‌آمد، منادی حتی در خارج از وقت نماز صدا می‌زد «**الصلاة بالجماعة**». همه در مرکزی شبیه مجلس شورای اسلامی یا یک مجلس شورای معمولی جمع می‌شدند و حول آن موضوع - جنگ، معضل محلی و... - طرح بحث می‌شد، به یک جمع‌بندی می‌رسیدند و بر اساس آن جمع‌بندی، می‌رفتند و اقدام می‌کردند. این همان سیاست کردن است. وقتی راجع به مسجد تراز صحبت می‌کنیم، چنین چیزی را می‌گوییم.

این اتفاق در دههٔ پنجاه برای مساجد زیادی در کشور رخ داد و خوشبختانه در خاطرات مساجد -که شورای انقلاب کار کرده است و کار خوبی هم هست- می‌توانیم آن را دنبال کنیم. مثلاً مسجد جلیلی نسبت به امر بهداشت و درمان اهل محل، فقرا و نیازمندان و مساکین هم حساسیت داشت. ما این ورود به مسائل مختلف را به عنوان سیاست امور در مسجد می‌شناسیم.

> سیاست، یعنی تدبیر امور؛ چه امر اجتماعی، چه امر فرهنگی، چه امر اقتصادی، چه امر امنیتی، چه امر نظامی، چه امر تعلیم و تربیت. و همهٔ اینها نیازمند سیاست به معنای تدبیر کردن هستند

همـان جملـه‌ای کـه دربـارۀ اهل‌بیـت(علیهم‌السلام) در زیارت جامعـۀ کبیـره آمـده اسـت: «**و ساسـة العبـاد**»؛ همـان کسـانی کـه بـرای بنـدگان سیاسـت‌گذاری می‌کننـد. خـط مشـی تعییـن می‌کننـد. تدبیـر می‌کننـد. رفتـار تعییـن می‌کننـد.

اگـر ما اسـلام را دین کاملی می‌دانیـم، پس باید همان‌طـور که در ابعاد فردی زندگـی ما برنامه دارد، بایـد دربـارۀ ابعـاد اجتماعـی زندگـی مـا هـم برنامه داشـته باشـد. ایـن اتفـاق در مسـجد رخ می‌دهـد؛ مسـجد ذاتـاً ارتبـاط تنگاتنـگ و مسـتقیمی بـا افـراد دارد، یعنی مکانی برای حضور تمامی افراد جامعـه بـا هـر سـن، تفکـر و جنسـیت اسـت. تنهـا جایـی اسـت کـه همۀ آحـاد جامعـۀ اسـلامی بدون هیـچ محدودیتـی می‌تواننـد در هـر سـاعتی از شـبانه‌روز جمـع شـوند و در آن مشـارکت اجتماعی رقـم بخـورد؛ بشـنوند، خبـردار شـوند، ببیننـد و بـا هم تعامل داشـته باشـند. چنین قابلیتی در انتقال مفاهیم حتی در شـبکه‌های اجتماعی هم نیست؛ رسـانه‌های اجتماعـی عمومـاً یک‌طرفـه هسـتند و در جایـی هـم کـه بـه صـورت شـبکه‌ای اسـت، ارتبـاط افـراد بـا یکدیگـر ارتباطـی مجـازی اسـت و مثـل فضای حقیقی نیسـت کـه یکدیگـر را ببینند و بحـث کننـد و حوزۀ عمل و نظر یکی نیسـت. از این جهـت مـا یـک عنصـر بی‌بدیـل در اختیـار داریـم.

چه اتفاقی رخ داد که جامعۀ اسلامی از مسجد تراز عدول کرد و به

نمازخانه‌رسید؟

برای این قابلیت‌هایی که گفتیم، پیامبر ﷺ به هرجا وارد می‌شود، مسجد می‌سازد. قبل از ورود به مدینه در قبا و در سه روزی که منتظر حضرت علی علیه‌السلام و خانوادهٔ خود هستند، مسجد می‌سازند. در مدینه هم به همین شکل! به این ترتیب هستهٔ مرکزی ادارهٔ امور جامعه را شکل می‌دهند. اما به مرور زمان، به علت پیچیدگی‌های موضوع و عدم اهتمام دست‌اندرکاران ادارهٔ مسجد نسبت به مواجههٔ پیچیده با امر سیاست، حضور این امور کم کم در مسجد به همین بحث نیایش تنزل پیدا کرد. تخصصی شدن امور باعث شد که مسجدی که بودجه، برنامه‌ریزی و سازماندهی متناسب در خیلی از مسائل اجتماعی را نداشت، دست از بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی برداشت. اما نکتهٔ مهمی که امروز باید به آن توجه کرد، این است که امروز هم کسی از مسجد چنین مطالبه‌ای ندارد که در ابعاد کلان وارد مسائل تخصصی اجتماعی شود. اما صورت مسئله را هم نباید پاک کرد. نباید این تفکر را داشت که سری که درد نمی‌کند را نباید دستمال بست و کلاً از موضوعات مدیریت اجتماعی خارج شد. این تفکر مسجد را به نمازخانه تقلیل می‌دهد.

این را هم اضافه کنم که دستگاه حاکمهٔ خلفا هم از این نمازخانه استقبال می‌کرده و به مرور زمان در دورهٔ خلافت اموی و عباسی، سیاست به کاخ‌های خلفا منتقل می‌شود و مسجد به نمازخانه تنزل پیدا می‌کند.

مسجد جلیلی، کرمانشاه

اگر بخواهیم جریانی برای بازگشت به مساجد تراز یا پیشرو ایجاد کنیم، مبانی این جریان چه مباحثی است؟

ما یک «مدیریت بر مسجد» داریم که توسط نهادهایی مثل مجموعهٔ امور مساجد، شورای سیاستگذاری ائمهٔ جمعه، سازمان تبلیغات، اوقاف و اینها انجام می‌شود، و یک «مدیریت در مسجد» داریم که توسط هیئت امنا، امام جماعت، بسیج و... در درون مسجد انجام می‌شود. اگر ما بخواهیم جریانی برای بازگشت به مساجد تراز یا پیشرو ایجاد کنیم، چند پیش‌فرض ذهنی در دست‌اندرکاران مسجد -چه مدیران بر مسجد و چه مدیران در مسجد- باید اصلاح شود. متأسفانه پیش‌فرض‌هایی در ذهن‌ها شکل گرفته که سازنده نیست و باید اصلاح شود. در حوزهٔ مدیریت بر مسجد، وضعیت تا حدودی بهتر شده ولی اینکه این تغییر ذهنیت‌ها چقدر در حوزهٔ مدیریت در مسجد و هیئت امنا و فعالین مسجد تسری پیدا کرده است، بحث دیگری است.

باید پذیرفته شود که ذات مسجد اجتماعی است و باید متولی امور اجتماعی باشد. البته نه به این معنا که باید همهٔ کارها را خودش انجام دهد؛ نه! بلکه باید در کنار سایر نهادها در امور مشارکت کند. برخی فکر می‌کنند «مسجد باید به مسائل اجتماعی ورود پیدا کند»، به این معنا است که آموزش و پرورش یا نیروی انتظامی باید تعطیل شود.

مسجد می‌تواند سه استراتژی در برابر امر ورود به مسائل اجتماعی داشته باشد؛ اول نفی ورود اجتماعی، دوم تلاش و خواست جایگزینی نهادهای اجتماعی موجود، و سوم تکمیل و همکاری با نهادهای اجتماعی موجود. به نظر من استراتژی دوم و سوم در ادبیات دینی برای ما مطلوبیت می‌آورد.

اینکه مدرسه را تعطیل کنیم و در مسجد آموزش ببینیم، اولاً بضاعت همهٔ مساجد ما نیست، ثانیاً یک سازماندهی پیچیده و گسترده می‌خواهد. ولی آیا مسجد می‌تواند نقش مکمل را داشته باشد؟ بله؛ مسجد می‌تواند برای افراد بی‌بضاعت کلاس کنکور برگزار کند، می‌تواند در فضای خود محلی برای فعالیت و کلاس‌های ورزشی داشته باشد و... کما اینکه الآن در محله باشگاه هست، اما مسجد هم یک باشگاه برای ورزش کودک و نوجوان دایر کرده است.

شاید مهد کودک در محله باشد، ولی مسجد هم می‌تواند در کنار خودش یک مهد کودک مسجدی دائر کند. کلاس‌های آموزش خطاطی و نقاشی و امثال اینها را هم با وجود هزاران آموزشگاه و کانون و...، مسجد می‌تواند انجام دهد. این هم به نوعی تکمیل کار است و به نوعی حتی می‌تواند همکاری هم باشد.

فعالیت دیگر می‌تواند ایجاد مسجد-مدرسه باشد. امام جماعت ساعتی در روز در مدرسه حضور داشته باشد. یا برای مسجدی که کنار مدرسه هست، یک ورودی ویژه باز کنند و مسیر ویژه‌ای درست کنند که بچه‌های مدرسه به جای

> دستگاه حاکمهٔ خلفا هم از این نمازخانه استقبال می‌کرده و به مرور زمان در دورهٔ خلافت اموی و عباسی، سیاست به کاخ‌های خلفا منتقل می‌شود و مسجد به نمازخانه تنزل پیدا می‌کند

مسجد حاج‌آقا صابر، اراک

اینکه در نمازخانه نماز بخوانند، با برنامه‌ریزی‌ای که حفظ امنیت دانش‌آموزان را به نحوی تأمین کند، در مسجد نماز بخوانند.

امام جماعت مسجد یا یکی از اعضای هیئت امنا به‌عنوان عضو حقوقی در انجمن اولیا و مربیان مدرسه عضو شوند یا مدیر مدرسه و معلم پرورشی یا یکی از معاونین عضو هیئت امنای مسجد محل بشوند. راه‌کارهایی از این‌دست می‌تواند همکاری مسجد با امری اجتماعی تلقی شود.

اصناف مختلفی در محله فعالیت می‌کنند. می‌توان در الگوی همکاری، مکانیزمی ایجاد کرد که در مسجد جایگاه تعریف شده داشته باشند و به‌عنوان شخصیت حقیقی یا حقوقی -نه لزوماً در جایگاه هیئت امنا، بلکه در شورای فرهنگی مسجد- حضور داشته باشند. ما این کار را در محلهٔ خودمان به خوبی انجام داده‌ایم؛ مثلاً ما دو نفر داروساز در محل داریم که داروخانه هم دارند. گاهی در مسجد اعلام می‌شود که کسانی که در منزل دارو دارند به مسجد بیاورند تا این دوستان به لحاظ تاریخ مصرف و سلامت‌سنجی آنها را تأیید کنند و به دست بیماران نیازمند محل برسانند.

پس یکی از اصلی‌ترین مبانی ایجاد جریان مسجد پیشرو، همین تعامل است؟

بله؛ اصلاً مبنای کار اجتماعی در اسلام، تعامل و اخوت است؛ «**تَعَاوَنُواْ عَلَى الْبِرِّ**» و «**إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ**» و ما باید این دو را مبنا قرار دهیم ◆

> نباید این تفکر را داشت که سری که درد نمی‌کند را نباید دستمال بست و کلاً از موضوعات مدیریت اجتماعی خارج شد. این تفکر مسجد را به نمازخانه تقلیل می‌دهد

مسجد جامع گوهرشاد، مشهد

نمازخانه یا مسجد؟

مهدی رزاقی طالقانی

مساجد بسیاری در طول تاریخ یک نمازخانهٔ ساده بودند که چند نفر در آنها تنها به نماز و نیایش می‌پرداختند. مساجد بسیاری هم به واقع مسجد بودند و در هماهنگی با ذات و فلسفهٔ وجودی خود، یک نهاد تأثیرگذار اجتماعی محسوب می‌شدند؛ تفاوت، در انفعال و فعالیت است. در این یادداشت، سری به تاریخ زده و چند مسجد تأثیرگذار را از دل آن بیرون می‌کشیم؛ مساجدی که لااقل در یک قضیهٔ اجتماعی، سیاسی و یا فرهنگی، نقش خود را به گونه‌ای ایفا کردند که همیشه نقش آنها به بر لوح تاریخ حک شده خواهند ماند.

مسجدگوهرشاد،مشهد

مسجد گوهرشاد، شلوغ‌ترین مسجد ایران و دارای معماری شگفت انگیزی است که در سال ۷۹۷ ه.ش به دستور گوهرشادبیگم -همسر شاهرخ، چهارمین پسر تیمور گورکانی- ساخته شد .

واقعه: به گلوله بسته شدن مردم توسط رژیم پهلوی در ۲۱ تیر ۱۳۱۴.

مشام اسب‌ها گیج از هجوم عود و باروت است
صدای شیهه و سمکوبه‌های تلخ می‌آید
هوای چسبناک «تیر» و تشویشی عرق کرده
به ذهن زائر خورشید هشتم مرگ می‌زاید*

از سال ۱۳۰۷ و به دنبال ضرب و شتم آیت الله شیخ محمدتقی بافقی توسط شخص رضاخان در حرم حضرت معصومه(س) به دلیل اعتراض به نحوهٔ پوشش زنان درباری، سیاست‌های رژیم چرخش آشکاری به سوی ضدیت با دین و حذف مظاهر دینی در جامعه پیدا کرده بود.

واقعهٔ خونین مسجد گوهرشاد، دو دلیل مهم داشت؛ نخست سیاست‌های ضددینی پهلوی اول که در پی سفر او به ترکیه در سال ۱۳۱۳ ه.ش وارد مرحلهٔ جدیدی شده بود و دوم، حبس و آزار زعیم دینی مردم مشهد، یعنی آیت الله سیدحسین قمی.

اوایل خرداد سال ۱۳۱۴، برخی از این مخالفت‌ها به صورت محدود در تعدادی از شهرهای کشور مانند تبریز، در قالب تجمعات و سخنرانی‌ها، بروز و ظهور پیدا کرد، اما به سرعت سرکوب شد و علمایی مانند آیت الله انگجی که رهبری این اعتراضات را برعهده داشتند، تبعید شدند. رسیدن این اخبار به مشهد، باعث نگرانی علمای این شهر شد و آیت الله سیدحسین قمی تصمیم گرفت به تهران برود و به رضاخان اعتراض کند؛ اما شاه نه تنها به اعتراض این عالم مبارز توجهی نکرد، بلکه دستور بازداشت و زندانی کردن او را هم صادر کرد. رسیدن این خبر به مشهد باعث تجمع مردم در مسجد گوهرشاد شد و یکی از صفحات دردناک و در عین حال پرافتخار را در تاریخ معاصر ایران رقم زد.

شب ۲۱ تیرماه سال ۱۳۱۴، در حالی که حرم مطهر امام رضا(ع) در محاصرهٔ نیروهای نظامی بود، هزاران نفر از مردم که علیه حبس زعیم دینی خود و سیاست‌های فرهنگی رژیم اعتراض داشتند، در صحن و شبستان‌های حرم خوابیده بودند. سرهنگ قادری، معاون ایرج مطبوعی، فرمانده نیروهای اطراف مسجد که تمام مبادی ورودی را محصور کرده بود، دقایقی پس از نیمه شب، فرمان قتل عام را صادر کرد. مرحوم حسین مکی، در جلد ششم کتاب «تاریخ بیست سالهٔ ایران» می‌نویسد: «توپ‌های سنگین در خیابان تهران (امام رضای فعلی)، روبه‌روی مسجد گوهرشاد استقرار یافته و در ذهن مردم مشهد، هجوم روسیه را در سال ۱۳۳۰ قمری به سرکردگی ژنرال ردکو دوباره زنده کرده است. اما این بار روس‌ها دیگر نیستند که می‌خواهند حمله کنند؛ بلکه قزاقان رضاخان هستند.

پاسی از نیمه‌های شب دوازدهم ربیع الثانی گذشته بود که صدای غرش مسلسل‌های قزاقان، آسمان مقدس خراسان را به لرزه انداخت و قشون شرق به فرماندهی سرلشکر ایرج مطبوعی و... برای فتح مسجد گوهرشاد به حرکت درآمد و صدای شیپور آغاز جنگ، از همه طرف بلند شد. عده ای از مأمورین مخفی رژیم، قبلاً وارد مسجد شده بودند و قرار بود آنها از داخل وارد عمل شده و راه‌ها را برای ورود نیروهای رضاخان به داخل مسجد هموار سازند و چنین شد. دژخیمان اسلحه به دست، پای به درون خانهٔ خدا گذاردند و همهٔ مسجدیان را از دم تیغ گذراندند و به هیچ کس رحم نکردند و به قول خودشان کاری کردند که روس‌ها نکرده بودند. هنگامی که سپیده سر می‌زد، دیگر نه صدای گلوله‌ای بود و نه صدای «یاعلی یاعلی» و قزاقان

> پاسی از نیمه‌های شب دوازدهم ربیع‌الثانی گذشته بود که صدای غرش مسلسل‌های قزاقان، آسمان مقدس خراسان را به لرزه انداخت

مسجد امام خمینی، اصفهان

فاتح، در پناه مسلسل کور و نابینای خویش، پای بر روی کشته‌شدگانِ بر زمین افتاده می‌گذاشتند و به دنبال زندگانی بودند که در پناهگاهی از دسترس گلوله به دور مانده بودند».

مسجد امام خمینی، اصفهان

مسجد امام شاید خاطره‌انگیزترین مسجد ایران و قطعاً مهم‌ترین مسجد تاریخی اصفهان در میدان نقش جهان است که در دوران صفوی ساخته شد و از بناهای مهم معماری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود.

واقعه: سقوط اصفهان توسط مجاهدین مشروطه به رهبری حاج‌آقا نورالله اصفهانی و پایان استبداد صغیر

مسجد امام، از ابتدای مبارزات مشروطیت‌خواهی مردم اصفهان، محلی برای آگاه‌سازی و تنویر افکار عمومی در اصفهان بود و عمده جلسات انجمن‌ها در آن برگزار می‌شد. از این‌رو در موقعیتی خاص قرار داشت و به همین دلیل، دولتی‌های حکومت محمدعلی‌شاه سعی در کنترل آن داشتند. اما نه‌تنها این اتفاق نیفتاد، بلکه این مسجد به کانون مبارزهٔ مجاهدین شهر اصفهان تبدیل شد و در نهایت، به رهبری حاج‌آقا نورالله نجفی جنگی در آن در گرفت که منجر به سقوط اصفهان شد. در ادامه، مجاهدین اصفهانی به سمت تهران حرکت کردند و به همراه مجاهدین سایر شهرها، محمدعلی‌شاه را از اریکهٔ قدرت به زیر کشیده و به استبداد صغیر پایان دادند. البته مسجد امام نه از زمان مشروطه که در طول قرن‌ها، چیزی بیش از یک نمازخانه بود؛ روی سردر ورودی مسجد، اثر سه گلوله به چشم می‌خورد که آن را به زمان جنگ با اشرف افغان یا حملهٔ روس‌ها نسبت می‌دهند.

داستان نقش‌آفرینی مسجد در دورهٔ مشروطه هم از این قرار بود که همان‌طور که بیان شد، مسجد در سال‌های استبداد صغیر یعنی اواخر قاجار، پایگاهی برای مبارزه بوده است. بنا به گفتهٔ عبدالمهدی رجایی -نویسندهٔ تاریخ مشروطیت اصفهان- ماجرا از آنجا آغاز شد که صارم‌الدوله، پسر ظل‌السلطان و نوهٔ ناصرالدین شاه، مادر خود را که به منزل نورالله نجفی اصفهانی پناه برده بود، با گلوله کشت. این رویداد و رویدادهایی از همین نوع، مردم اصفهان را به خشم آورد و آنان در سال ۱۲۸۶ ه.ش یعنی ۱۱۰ سال

> مسجد امام، از ابتدای مبارزات مشروطیت‌خواهی مردم اصفهان، محلی برای آگاه‌سازی و تنویر افکار عمومی در اصفهان بود و عمده جلسات انجمن‌ها در آن برگزار می‌شد

مسجد جامع مظفری، کرمان

پیش در مسجد تحصن کردند. با فرود گلوله‌های توپ دولتیان در پیرامون مسجد شاه، جنگی سرنوشت‌ساز در گرفت. پس از آن، نورالله نجفی و آقانجفی که از مجاهدان مشروطه بودند، کنترل مسجد را به دست گرفتند و با ورود مجاهدان بختیاری به رهبری ضرغام‌السلطنه، حاکمیت استبدادی ظل‌السلطان قاجار بر اصفهان پایان یافت. شاید بد نباشد بدانید مسعودمیرزا ظل‌السلطان، پسر بزرگ ناصرالدین شاه، همان کسی است که در حاکمیت ۳۴ سالهٔ خود بر اصفهان برای اثبات قدرتش بیش از ۵۰ اثر تاریخی، بنا و باغ صفوی را ویران کرد.

مسجد جامع مظفری، کرمان

مسجد جامع کرمان یا مسجد جامع مظفری، در دوران حکومت امیر مبارزالدین محمد مظفر -سرسلسلهٔ آل مظفر- بنا گردیده و تاریخ بنای آن در کتیبهٔ سردر اصلی، سال ۷۵۰ه.ق ذکر شده است. بنای مسجد از جمله سردر روبه‌مشرق آن که از شلیک توپ‌های آغامحمدخان قاجار خراب شد، بارها مرمت شده است.

واقعه: به آتش کشیده شدن مردم و نمازگذاران در مهرماه ۱۳۵۷.

۲۴ مهر ماه ۱۳۵۷، شهر کرمان شاهد تظاهرات باشکوهی بود. تظاهرات این روز، نشان از عزم مردم برای مبارزهٔ گسترده و همه‌جانبه با رژیم داشت. در این تظاهرات، برای نخستین‌بار بین مردم و مأموران حکومتی درگیری‌هایی گسترده پیش آمد که خیابان‌های اصلی را به صحنهٔ برخورد و درگیری تبدیل کرد. دستگاه‌های امنیتی و نظامی برای مهار و سرکوب مخالفان و جلوگیری از بروز حوادث مشابه، به اجرای ترفندی پرداختند که به نمایش «کولی‌بازی» شهرت یافت.

بر اساس این طرح، رژیم با به خیابان آوردن عده‌ای از محروم‌ترین اقشار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که با اندک مواجبی حاضر به انجام هر عملی می‌شدند، به اجرای این ترفند در شهرهای مختلف کشور پرداخت.

در این حادثه عمّال رژیم بدون در نظر گرفتن عواقب و پیامدهای احتمالی به یکی از مکان‌های مقدس حمله بردند. طراحان واقعه، مسجد جامع کرمان را از آن جهت برای اجرای منظور شوم خود برگزیدند که این مسجد کانون مبارزات اسلامی مردم

> دستگاه‌های امنیتی و نظامی برای مهار و سرکوب مخالفان و جلوگیری از بروز حوادث مشابه، به اجرای ترفندی پرداختند که به نمایش «کولی‌بازی» شهرت یافت

کرمان محسوب می‌شد. کارگزاران حکومت طاغوت در صورت سرکوب و حمله به آن گمان می‌بردند اعتراضات در شهر خاموش می‌شود.

روز دوشنبه ۲۴ مهرماه به دعوت جامعهٔ روحانیت و انقلابیون شهر کرمان، مجلس بزرگداشتی به مناسبت چهلم شهدای ۱۷ شهریور تهران و سالگرد درگذشت مرحوم آیت‌الله سیدمصطفی خمینی منعقد شد. بازار کرمان در آن روز به کلی تعطیل شد و در سطح شهر تعداد محدودی مغازه که ارزاق عمومی را عرضه می‌کردند، باز بودند. کولی‌های گسیل شده به مسجد هم خود را به تجمع مردم رسانیدند و جاویدشاه گویان، چوب و چماغ به دست ابتدا وسایل مردم را آتش زدند. در همین هنگام تیراندازی پلیس به سوی مردم آغاز شد. عده‌ای از مهاجمان که شعارهایی به نفع رژیم پهلوی سر می‌دادند، به پشت بام مسجد جامع رفته و با کندن آجرهای مسجد به مردم حمله‌ور شدند. مردم در این حال درهای مسجد را بستند اما گازهای خفه کننده فضا را مسموم کرد و کولی نماها با شکستن درِ مسجد، با چوب به مردم حمله‌ور شدند. همزمان با این حمله، عده‌ای از مردم مجروح شدند و شماری از وسایل مسجد از جمله قرآن کریم و کتاب‌های مذهبی نیز آتش گرفت. اینکه چه تعداد در این آتش‌سوزی به شهادت رسیدند، مشخص نیست.

مسجد جامع کرمان، با فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی خود، همواره اسباب زحمت نظام‌های جور از آغامحمدخان تا رژیم پهلوی بود.

پایان

تفاوت مسجد با نمازخانه، این است که این نهاد مقدس با تمام اجزای خود از دیوار تا مناره، گنبد و قرآن درون کتیبه‌هایش به دنبال ایفای نقش اجتماعی است. مساجد تراز اسلامی در تاریخ بسیارند و این سه مورد، نمونه‌ای از آن سلسلهٔ انبوه است که روایت کوتاه از یکی از نقش‌آفرینی‌های آنها می‌تواند به جلوگیری از فرایند نمازخانه‌سازی مساجد کمک کند◆

> تفاوت مسجد با نمازخانه، این است که این نهاد مقدس با تمام اجزاء خود از دیوار تا مناره، گنبد و قرآن درون کتیبه‌هایش به دنبال ایفای نقش اجتماعی است

پی‌نوشت:

*حامدعسگری

منابع:

عاقلی، باقر: «شرح رجال سیاسی نظامی معاصر ایران»، تهران: علم، ۱۳۸۰.

شمس‌آبادی، حسن: «قیام گوهرشاد»، مجلهٔ مطالعات تاریخی، تابستان ۱۳۸۹، ش ۲۹.

عین‌اللهزاده، سهیلا: «دزد با چراغ»، روزنامه جام جم، ۱۳۸۷/۰۸/۰۹، خبر شمارهٔ ۱۰۰۹۵۳۰۴۵۰۰۷.

رجایی، عبدالمهدی: «تاریخ مشروطیت اصفهان»، اصفهان: مرکز اصفهان‌شناسی و خانهٔ ملل، ۱۳۸۵.

«مجموعه مقالات همایش تبیین آراو بزرگداشت هشتادمین سالگرد نهضت آیت‌الله حاج آقانورالله اصفهانی»، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۴.

نجفی، موسی: «اندیشهٔ سیاسی و تاریخ نهضت حاج‌آقا نورالله اصفهانی»، تهران: مطالعات تاریخ معاصر ایران، چهارم: ۱۳۹۱.

«آتش‌سوزی مسجد جامع کرمان»، یاد ایام، مهر ۱۳۸۸، صص ۵۰-۱.

«فاجعه آتش‌سوزی مسجد جامع کرمان به دست مزدوران رژیم شاه»، پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۲۴ مهر ۱۳۸۷.

مسجدی پیشرو از منطقه‌ای محروم

گزارشی از فعالیت‌های مسجد جامع ابوذر

مجتبی حاجیلو

مسجد جامع ابوذر -که قدیمی‌ها آن را با نام فلاح می‌شناسند- یادآور حادثهٔ ۶ تیر ۱۳۶۰ یعنی اولین تعرضی است که گروهک منافقین به سران انقلاب انجام دادند و در پی به شهادت رساندن مقام معظم رهبری در مسجد ابوذر بودند. این تنها حادثهٔ مرتبط با انقلاب در مسجد نیست. قبل از آن، اتفاق مهم دیگری را امام جماعت مسجد رقم‌زده و باعث بر سر زبان افتادن نام آن مسجد شده بود؛ برگزاری مراسم ترحیم برای فرزند حضرت امام یعنی مرحوم سید مصطفی خمینی. همین ماجرا موجب شد تا امام جماعت جوان مسجد دستگیر و راهی کمیتهٔ مشترک ضد خرابکاری شود.

پیشروی این مسجد و همراهی با حوادث جامعه از همین دو اتفاق به خوبی نمایان است؛ اما توقف، در کار این مسجد نیست! حجت‌الاسلام رضا مطلبی -امام جماعت مسجد- معتقد است که آیهٔ شریفهٔ «**یَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ**»[1] ضمن دستور به فردفرد مکلفین، برای جامعه هم پیامی دارد و آن نمایان کردن زینت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در مسجد است. از جمله تلاش‌هایی هم که در این راستا انجام می‌دهند، می‌توان به فعالیت‌های مختلف این مسجد اشاره کرد.

> مسجد در جهت کمک به دانش‌آموزان و دانشجویان کمتر برخوردار، کتاب‌های کمک‌آموزشی بسیاری را تهیه کرده و در اختیار آنان گذاشته است

در حوزهٔ برنامه‌های فرهنگی، سه کار عمده توسط هیئت امنای محترم تحت نظارت امام جماعت رخ داده است:

۱ تأسیس کتابخانه‌ای مجهز و گسترده که در بعضی اوقات، موفق به فعالیت ۲۴ ساعته نیز شده است. از کتاب‌های دینی و عمومی که بگذریم، مسجد در جهت کمک به دانش‌آموزان و دانشجویان کمتر برخوردار -که جمعیت کمی هم نیستند- کتاب‌های کمک‌آموزشی بسیاری را تهیه کرده و در اختیار آنان گذاشته است. اخیراً از طرف مقام معظم رهبری ۱۱۵ جلد کتاب در ۴۳ عنوان به این کتابخانه اهدا شده است.

۲ برنامهٔ منظم سخنرانی؛ در مدت‌زمان طولانی حضور حجت‌الاسلام مطلبی، ایشان موفق به بیان یک دورهٔ کامل تفسیر قرآن در مسجد شده‌اند. همچنین مسجد از اساتید به‌نام و مطرح کشوری نیز در تبیین فرهنگ اسلامی بهره می‌برد. برنامهٔ نظام تربیت قرآنی -که به‌صورت منظم توسط استاد خدام حسینی در حال اجرا است- یکی از شاخص‌ترین این برنامه‌ها است.

۳ تأسیس مدرسهٔ علمیهٔ ابوذر در کنار ساختمان مسجد که به تربیت طلاب علوم دینی مشغول است.

از جمله فعالیت‌های مسجد در عرصهٔ اجتماع، می‌توان به قربانی در ایام عید قربان و توزیع گوشت میان نیازمندان منطقه اشاره کرد که کار با حضور خیرین اتفاق می‌افتد و جلوهٔ زیبایی دارد.

در کنار نگاه و اهمیت به بزرگسالان، مسجد به فکر تربیت نیکوی نسل آیندهٔ کشور نیز هست و با تأسیس مهد کودک و پیش‌دبستانی، فرزندان را با فرهنگی دینی رشد می‌دهد.

مسجد پیشرو به فکر تعظیم شعائر دینی و نمود بیرونی آن هم هست؛ در ایام جشن‌های مختلف و اعیاد اسلامی، طاق نصرت زیبایی محله را با شکوه می‌کند. حاج‌آقا مطلبی این‌طور نقل می‌کند که وقتی مشاهده کردیم که در اطراف میدان خراسان با چه شکوهی مراسم‌های میلاد ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام را برگزار می‌کنند، به فکر رونق این کار در مسجد خودمان افتادیم. همچنین دسته‌های عزاداری سینه‌زنی و زنجیرزنی هم در مسجد با حضور جوانان رونق خاصی دارد.

امام جماعت مسجد، راز موفقیت و تجربهٔ ارزشمند مسجد را در برپایی مداوم و همیشگی نمازهای روزانه برای مردم می‌داند و توصیه‌اش برای دیگر مساجد نیز همین است؛ توجه به برپایی نماز جماعت اول وقت. وی با اشاره به خاطره‌ای بیان کرد: «مدتی در سازمان تبلیغات حضور داشتم و برپایی نماز جماعت ظهر بر عهدهٔ من بود. یک روز رئیس وقت سازمان -که به نماز اول وقت مقید بود- به من پیغام داد که امروز ده‌دقیقه نماز را دیرتر شروع کن تا من هم پس از جلسهٔ کاری به نماز برسم. در پاسخ به ایشان نوشتم لطفاً شما ده‌دقیقه جلسه را زودتر تمام کنید و به نماز برسید.»

مسجد جامع ابوذر شاید قدمت تاریخی زیادی نداشته باشد، اما در همین مدت که از تأسیس آن می‌گذرد، اثرات مثبت و قابل توجهی -نه‌تنها بر خیابان و محلهٔ خود، بلکه بر کل منطقهٔ ۱۷ تهران- داشته است. تعداد شهدای این منطقه که بالغ‌بر ۴۰۰۰ نفر است، گواه خوبی بر این مدعاست ◆

پی‌نوشت:
۱. اعراف(۷): ۳۱.

معرفی کتاب

نقش مساجد بازار تهران در نهضت امام خمینی قدس‌سره

الهه پورسالاری

«در صدر اسلام از همین مسجدها، جیش‌ها و ارتش‌ها راه می‌افتاده... مسجد، مرکز اجتماع سیاسی است. اجتماعات خود را هرچه بیشتر در مساجد و محافل و فضاهای باز عمومی برپا نمایید.»

این جمله، گوشه‌ای از اندیشهٔ بزرگ‌مرد انقلاب اسلامی ایران است. در اندیشهٔ ایشان، مسجد در جایگاهی قرار دارد که حتی ارتشِ محافظ جامعه نیز باید از دل آن بیرون آید؛ اندیشه‌ای که در انقلاب خود ایشان نیز بسیار چشمگیر بود و اگر اندکی به تاریخ مساجد بنگریم، می‌بینیم که مساجد بسیاری در طول نهضت ایشان فعال شدند. البته مساجدی -همچون مساجد بازار تهران- هم بودند که از گذشته فعالیت‌ها و خدمات بی‌شماری داشتند و تاریخ این فعالیت‌ها به دوران مشروطه هم می‌رسید. مساجدی چون مسجد شاه سابق، مسجد سید عزیزالله و مسجد شیخ‌عبدالحسین، مساجدی در بازار تهران هستند که حوادث بی‌شماری را رقم زده‌اند. نقش این مساجد در حوادث مختلف نهضت اسلامی را نمی‌توان نادیده انگاشت. همین نقش غیر قابل انکار آقای فرشید مهری را برآن داشت تا دربارهٔ این مساجد پژوهشی در قالب تاریخ شفاهی انجام دهد و آن را در قالب کتاب «نقش مساجد بازار تهران در نهضت امام خمینی قدس‌سره» ارائه کند. ویژگی برجستهٔ این اثر، این است که مؤلف در کنار مراجعه به اسناد و منابع مکتوب، با دست‌اندرکاران، مبارزان و هیئت امنای این مساجد به گفت‌وگو نشسته است.

کتاب حاضر که در سه فصل نگاشته شده در بر دارندهٔ بخش‌هایی چون پیشینهٔ تاریخی و فعالیت‌های اجتماعی، تاریخچهٔ مساجد از دورهٔ مشروطه تا آغاز انقلاب اسلامی و نقش مساجد در نهضت اسلامی است. آنجا که سخن از پیشینهٔ تاریخی مساجد به میان می‌آید، مواردی همچون بنای مساجد، جلوه‌های معماری، موقوفات، امامان جماعت و مراسم‌ها مطرح می‌گردند.

استفاده از تصاویر مساجد در کتاب می‌توانست به مخاطب در به دست آوردن حسی ملموس‌تر کمک کند که متأسفانه این امر اتفاق نیفتاده است. این اثر به همت مرکز اسناد انقلاب اسلامی در سال ۱۳۸۳ منتشر شده است◆

مسجد خنثی

مجتبی عادل‌پور

امـروزه ایـن تلقی در بیـن برخی از مؤمنـان وجـود دارد کـه مسـجد، جایی اسـت که بایـد در آن فقط مشـغول عبادت و دعا بود و کشاندن برخی از مسائل به مسجد، شایسـته نیسـت! امـا واقعـاً این گونه اسـت؟ آیـا کارکرد مسجد منحصر در امور عبادی است؟ آیا نباید مساجد به مسـائل سیاسـی و اجتماعی ورود پیدا کنند؟

ایـن نـوع نگاه به مسـجد، عـلاوه بر اینکه با سـیرهٔ پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله، اهل‌بیـت علیهم‌السلام و عالمـان دیـن سـازگاری نـدارد، در برخی مواقع پیامدهای جبران‌ناپذیری را به همراه دارد. رسـول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بعد از مهاجرت از مکه به مدینـه، در اولیـن اقدام مسـجدی بنـا کردند که نقش محـوری در امور داشـت. در این مسـجد مؤمنـان گرد هـم می‌آمدنـد و بـه عبـادت و آمـوزش مسـائل دینـی مشـغول می‌شدند.

مسـجد در زمـان پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله پایگاهـی بـرای چاره‌جویی‌هـای سیاسـی و اجتماعـی بـود. حسـاس‌ترین و حیاتی‌تریـن تصمیمـات جامعـهٔ اسـلامی مانند تدارک و بسـیج مسلمانان برای جنگ و جهـاد، بیعـت، قضـاوت و دیدارهـای سیاسـی بـا بزرگان قبائل و... در مسـجد برگزار می‌شـد. «واقدی» می‌نویسـد: در رمضان سـال نهم هجرت، نمایندگان قبیلـهٔ ثقیـف بـرای مذاکـره بـا پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله بـه مدینـه آمدند و در مسـجد با او دیدار کردند.[1] همچنین سران و نمایندگان بنی‌تمیم و اسـقف‌های نجـران در همین مسـجد بـه محضـر رسـول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله رسـیدند.

امـام علـی علیه‌السلام هـم هنگامـی کـه حکومـت را بـه دسـت گرفتند، بسـیاری از امور از جمله قضاوت را در مسـجد کوفه انجام می‌دادند که محل قضاوت ایشان در مسـجد، به «دکة القضاء» مشـهور اسـت. از برخی از روایـات بـر می‌آیـد کـه امـام زمـان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه بعـد از ظهور، مسـجد سـهله را اقامتگاه خود قرار می‌دهند و در این مسـجد، غنائم را بیـن مردم تقسـیم می‌کنند.[2]

امـام خمینـی قدس‌سره دربـارهٔ کارکردهـای سیاسـی و اجتماعـی مسـجد در صـدر اسـلام فرمودنـد: «مسـجدالحرام و مسـاجد در زمـان رسـول اکـرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مرکـز جنگ‌هـا و مرکـز سیاسـت‌ها و مرکـز امـور اجتماعـی و سیاسـی بـوده. این‌طـور نبوده اسـت که در مسـجد پیغمبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله همان مسـائل عبادی نمـاز و روزه باشـد؛ مسـائل سیاسـی‌اش بیشـتر بوده اسـت. هروقت می‌خواستند به جنگ بفرسـتند اشخاص را،

> سکولاریزم، در پی آن است که اسلام را تنها در امور عبادی محصور کند. این تفکر، این را ترویج می‌کند که باید سیاست را به اهلش واگذار کرد و اهل آن هم مذهبی‌هانیستند

مسجد النبی، مدینه منوره

مسجد قباء، مدینه منوره

بسیج کنند، مردم را برای جنگ‌ها، از مسجد شروع می‌کردند این امور را.»[۳]

بی‌شک محدودکردن مسجد به امور عبادی و محروم کردن آن از امور سیاسی و اجتماعی، پیامدهایی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱ فرصت‌سوزی

شاید بتوان گفت یکی از خسارت‌بارترین پیامدهای مسجد خنثی، فرصت‌سوزی آن باشد. با نگاهی به صفحات تاریخ به روشنی می‌بینیم که هیچ‌گاه دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام مانند امروز صاحب فرصت نبوده‌اند؛ از صدر اسلام تا عصر حاضر، حکومت‌ها چنان در قبضهٔ نااهلان بود که مجالی برای نفس کشیدن اسلام حقیقی باقی نگذاشته بود. بسیاری از امامان و علما حتی از داشتن یک تریبون رسمیِ بیانِ معارف محروم بودند تا چه برسد به انجام فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی! اما اکنون و به برکت زحمات امام راحل و خون هزاران شهید، بستری فراهم شده که مانند آن را در سال‌های دور و نزدیک نمی‌بینیم. مسجدی که خود را در یک بُعد منحصر می‌کند، در حقیقت به تمام این ظرفیت‌ها پشت پا می‌زند.

۲ تقویت تفکر جدایی دین از سیاست

یکی از سیاست‌هایی که همواره دشمنان اسلام آن را دنبال می‌کنند، ترویج سکولاریزم یا جدایی دین از سیاست است. سکولاریزم، در پی آن است که اسلام را تنها در امور عبادی محصور کند. این تفکر، این را ترویج می‌کند که باید سیاست را به اهلش واگذار کرد و اهل آن هم مذهبی‌ها نیستند. البته علمای بزرگی مانند شهید مدرس این خطر را به خوبی حس کردند و در مقابل آن، شعار «سیاست ما عین دیانت ما است» سر دادند.

امام خمینی هم اقدامات این گروه را به خوبی رصد می‌کرد. ایشان در یک سخنرانی به ماهیت سیاسی اسلام اشاره کرده و فرمودند: «کتاب‌هایی که اسلام در سیاست دارد، بیشتر از کتاب‌هایی است

> دشمن از مساجدی که اهل آن فقط به امور عبادی مشغول هستند و از آنچه در اطرافشان می‌گذرد غافل می‌شوند، احساس امنیت می‌کند

مسجد سهله، کوفه

مسجد جامع کوفه

که در عبادت دارد. این غلط را در ذهن ما جای گیر کرده‌اند و حتی حال باورشان آمده است آقایان به اینکه اسلام با سیاست جداست، این یک احکام عبادی است مابین خودش و خدا، بروید توی مسجدتان و هرچه می‌خواهید دعا کنید، هرچه می‌خواهید قرآن بخوانید، حکومت‌ها هم به شما کار ندارند؛ اما این اسلام نیست!»

مساجدی که خنثی عمل می‌کنند و یا در مسائل اجتماعی سیاسی ورود پیدا نمی‌کنند، ناخواسته در میدان این تفکر نقش‌آفرینی می‌کنند.

۳ القای حس امنیت به دشمن

یکی از واقعیت‌های دنیای امروز این است که دشمن از مساجد بیم دارد. گاه‌وبی‌گاه در کشورهای غربی به مساجد حمله می‌کنند و یا دستور به تخریب مساجد می‌دهند. دلیل این امر آن است که این‌گونه مساجد به امور اجتماعی و سیاسی روی می‌آورند و خود را در بُعد عبادی مسجد محدود نمی‌کنند. از همین‌رو می‌بینیم مسجدی که از کارکرد اصلی خود دور نیفتاده باشد، انسان‌هایی تربیت می‌کند که در مقابل ظلم و ستم آرام نمی‌نشینند.

دشمن از مساجدی که اهل آن فقط به امور عبادی مشغول هستند و از آنچه در اطرافشان می‌گذرد غافل می‌شوند، احساس امنیت می‌کند. این احساس امنیت آنها را برای برداشتن گام‌های بعدی جسور می‌کند.

۴ کاهش شور و هیجان مسجد

مسجد به مثابهٔ کالبدی است که حیات دارد. حیات مسجد هم در عملکردهای آن بروز و ظهور پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، علائم حیاتی مسجد را باید در آنچه در آن روی می‌دهد جست‌وجو کرد. مسجد زنده، بیدار است، نفس می‌کشد، فریاد می‌زند و شور و هیجان دارد. در مقابل، مسجدی که خنثی عمل می‌کند، از شور و هیجان تهی است.

قطعاً یکی از علت‌های جذب بسیاری از جوانان به مسجد در دوران هشت‌سالهٔ دفاع مقدس، همین عامل بود. در خاطرات بسیاری از شهدا می‌بینیم که به مسجد آمد و شد داشته و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مسجد حضور فعال داشته‌اند◆

پی‌نوشت‌ها:
۱. واقدی: «المغازی»، ج ۸۸۵/۳.
۲. مستدرک‌الوسائل: ج ۴۱۳/۳.
۳. صحیفهٔ امام خمینی: ج ۵۱/۱۸.

مسجد طراز اسلامی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران (۹۵/۵/۳۱) فرمودند: «مسجد میتواند پایگاه همه‌ی کارهای نیک باشد» چنین مسجدی همان مسجد طراز اسلامی است که پایگاه اطلاع‌رسانی Khamenei.ir ویژگی‌ها و الزامات آن را در این اطلاع‌نگاشت مرور می‌کند.

وظایف امام جماعت

۱. مدیریت محتوایی و معنویِ مسجد به صورت خردمندانه، مسئولانه و عاشقانه
۲. محوریت تلاشها برای پرداختن به آرایه‌های معنوی و ظاهری مساجد
۳. کمک گرفتن امامان جماعت مسن از فضلای جوان
۴. آماده‌سازی خود برای طبابت معنوی
۵. اُنس با نمازگزاران بویژه جوانان
۶. غمگساری و همدلی با نمازگزاران
۷. برقراری نماز جماعت در اوقات سه‌گانه نماز
۸. آموزش ترجمه و مفهوم نماز به شکل نوین و جذاب

وظایف متولیان و مدیران

۱. بهره‌گیری کامل از ظرفیت های مسجد برای جذب مردم و تبلیغ معارف اسلامی
۲. برنامه‌ریزی و استفاده از ابزارهای فرهنگی، هنری برای تقویت معنوی مسجد
۳. ترویج نماز با کیفیت در میان مردم، به ویژه جوانان و نوجوانان
۴. جذب جوانان با محبت به آنها
۵. باز بودن در مسجد در طول روز
۶. پخش صدای اذان با صوت خوش
۷. خودداری از پخش صداهای آزاردهنده

ویژگی‌ها

- برخوردار از محیطی زنده و پرنشاط و آینده پویا و لبریز از امید
- مأمن و مایه‌ی خیر و برکت در محل
- پایگاه فعالیت های اجتماعی
  مظهر آمیختگی دنیا و آخرت، فرد و جامعه
- هسته‌ی مقاومت فرهنگی سیاسی، امنیّتی و نظامی
- کانون موعظه و پرورش اخلاق
- برخوردار از آرایه‌های معنوی و ظاهری

وظایف فعالان مسجد

- پرنشاط و لبریز از امید ساختن مسجد با حضور جوانان و روحیه های بسیجی
- برقراری پیوند تعریف‌شده و شایسته میان مسجد و مراکز آموزشی
- برقراری و استحکام رابطه مسجد با مردم
  جوانان در آغاز ازدواج | افراد موفق در زمینه های علمی، اجتماعی، ورزشی و هنری | خیرین | غمدیدگان | نوزادان تازه تولد یافته
- ایجاد جایگاه خاص برای جوانان و جذب آنان
- مردمی و همگانی شمردن خدمت به مسجد
- غبارروبی شایسته مساجد

KHAMENEI.IR

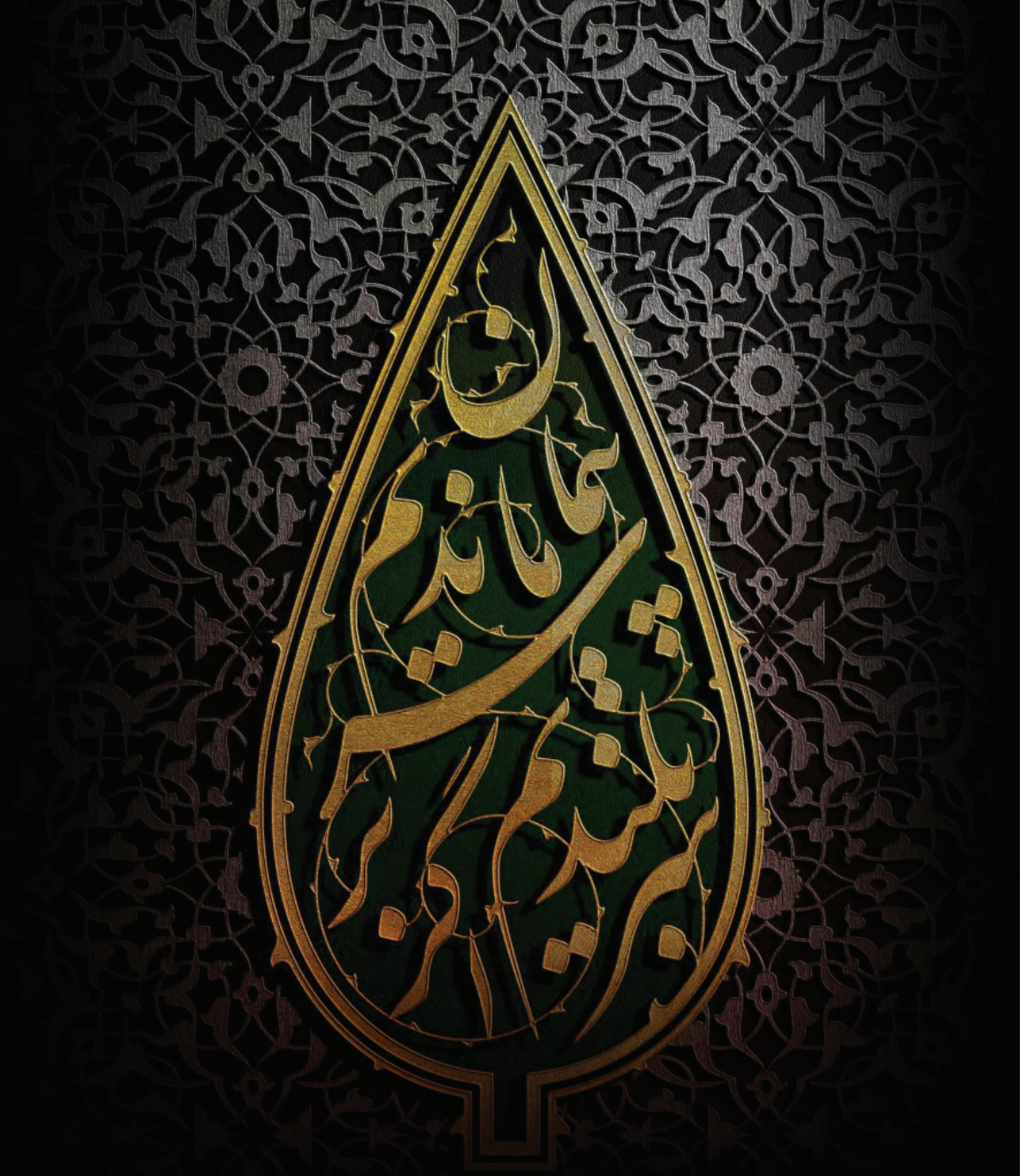

ما هر چه داریم از این محرم است و از این مجالس. مجالس تبلیغ ما هم از محرم است، از این قتل سید الشـــــهداست و شهادت اوست. ما باید به عمق این شهادت و تأثیر این شهادت در عالم برسیم و توجه کنیم که تأثیر او امروز هم هست. اگر این مجالس وعظ و خطابه و عزاداری و اجتماعات سوگواری نبود، کشور ما پیروز نمی شد. همه در تحت بیرق امام حسین- سلام اللّه علیه- قیام کردند...

صحیفه امام؛ ج ۱۷، ص ۵۸-۵۹